

# سوسیالیسم

آذر ماه ۶۹

ارگان هسته اقلیت

سال چهارم شماره ۱۸

## اشغال کویت

و بحران خلیج فارس

بحران پردامنه‌ای که بدنبال اشغال نظامی کویت توسط عراق، در منطقه خلیج فارس شکل گرفت، جوانب و ابعاد مختلف و اما به هم پیوسته‌ای دارد. عواملی که موجبات حمله عراق به کویت را فراهم آورد، دلائل عکس‌العمل غرب درین باره و اهداف آنها، تاثیرات منطقه‌ای و جهانی بحران بویژه اثر آن بر جنبش فلسطین و موقعیت عراق، چشم انداز آتی بحران و همچنین تاثیر اشغال کویت بر موقعیت جمهوری اسلامی از مواردی هستند که مورد بررسی قرار میگیرد. فصل از همه به نقطه آغاز بحران یعنی به اختلافت ما بین عراق و کویت میرسد ازیم.

آناز بحران و اشغال نظامی کویت

پیشینه اشغالات ارضی میان عراق و کویت همیشگی است. استقلال عراق باز میگردد. دو کشور مذکور هر دو جز استعمارات

۲

## در باره سیاست نشریه سوسیالیسم

و برنامه ارگان تحریریه

سیاست نشریه و برنامه ارگان تحریریه - پیش تصویب رسید. بدنبال سمینار عمومی گرفته از بخش‌های اساسی سند است تحت عنوان "برنامه ارگان تحریریه" که چندی کمیته مرکزی مقرر نمود که ارگانهای

۱۵

## بررسی موقعیت طبقه کارگر در ایران

۲۶

در پاره پنجم ۱۳ برنامه

۲۵

## پیرامون تشکیل کمیسیون تحقیق

و بررسی مسائل ۴ بهمین

پیرو دومین نامه سرگشاده کمیته مرکزی هسته اقلیت به تاریخ ۶۸/۶/۱۵ خطاب به سازمان‌های طیف اقلیت در رابطه با ضرورت تشکیل کمیسیون تحقیق و بررسی مسائل چهارم بهمین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) پاسخ مثبت خود را نسبت به تشکیل کمیسیون فوق‌الذکر بشرح زیر اعلام کردند:

۱۰

## نقدی بر نقد، نقدی بر برنامه

"نقدی بر نقد، نقدی بر برنامه" یک بازنگری فشرده بر تحول باورها و آن مبانی فکریمان در رابطه با مفهوم سوسیالیسم و مساله شوروی است که طی سلسله مقالاتی تحت عنوان عمومی "بولتن ۸: گرایش برآست در تقابل با تهلیسم" بیش از سه سال پیش درج آن در نشریه آغاز شد. نقدی بر نقد، بازنگری مضامین مطروحه در این سلسله مقالات و نقدی بر برنامه بازنگری آن مبانی فکری است که کار نقد بر بنیان آن آغاز شد و در تداومش به نفعی آن مبانی منجر گردید. در همین حال، این نوشتار خود پیشگفتاری محسوب میشود بر تزهائی مقدماتی در باره مفهوم سوسیالیسم و مساله شوروی که حاصل جمع‌بندی از مباحثات انجام شده است. در رابطه با سلسله مقالات مندرج در نشریه باید متذکر شد که قصد اولیه از تنظیم آن عمدتاً عبارت بود از پاسخی و نقدی بر "بولتن مباحثات شماره ۸" شامل دو رساله: یکی با عنوان "بازهم اپورتونیسیم راست" با امضا کمیته خارج وقت سازمان چ. ف. خ. و دیگری با نام "مدافعین تز ارتجاعی سوسیال - امپریالیسم در سازمان مالب به سخن گفتند" یا امضا توکل.

امروز اما، هم بدلیل تحولی که طی پروسه نقد در نگرمان نسبت به سوسیالیسم

## در این شماره:

### انتخابات مجلس خبرگان

### بیانهای آن

### از میان نامه‌ها

کار، مسکن، آزادی، جمهوری شورایی

اشغال کویت و بحرین خلیج فارس

جس محسوب میشدند. ابتدا استقلال  
 ن در اوایل دهه ۳۰ برسمیت شناخته  
 و اعلام استقلال کویت در سال ۱۹۶۱  
 نام گرفت. از هنگام استقلال عراق  
 ت های حاکم بر این کشور در مقاطع مختلف  
 است الحاق کویت به عراق را مطرح  
 ده اند. این خواست از جمله توسط  
 نغازی، پادشاه وقت عراق و سپس از  
 در سال ۱۹۵۸ توسط نوری سمیعین  
 ست وزیر عراق و در سال ۱۹۶۱ بوسیله  
 الکریم قاسم رئیس جمهور این کشور  
 رخ کرده بود که منجر به پیاده کردن  
 و توسط انگلیس در کویت و تقاضای  
 م استقلال کویت شد. بعلاوه در سالها  
 ۱۹۷۲ و ۱۹۷۴ اختلافات دو کشور  
 اوج خود رسید و به پیشروی عسکری  
 خاک کویت و درگیری های نظامی منجر  
 عراق در آن زمان ادعای مالکیت  
 جزیره استراتژیک بوهیان و ورینه  
 مطرح کرد. این اقدامات البته بی  
 چه ماند.

تضمین دولتی و اچهای کشاورزی به عراق  
 تصویب کرد اما "ریچارد بوچر" سخنگوی  
 وزارت امور خارجه آمریکا اعلام نمود که اعمال  
 تحریم های اقتصادی علیه عراق به نفع  
 اهداف آمریکا در منطقه نیست و همانجا  
 در جمع خبرنگاران گفت که "ما بدلیل  
 ملاحظات سیاسی خواستار اعمال کنترل  
 دقیق اداره تجارت خارجی آمریکا بر  
 کشورهایی که در جهت تکثیر و با تولید  
 تسلیحات شیمیایی و هسته ای تلاش  
 می کنند، هستیم" در این مصاحبه  
 خبرنگاری از "ریچارد بوچر" در باره  
 احتمال فراخوانی سفیر آمریکا از بغداد  
 سؤال می کند و نیز سؤالی در ارتباط با  
 تهدید کویت توسط عراق طرح میگرد  
 ( رجوع کنید به کیهان مورخ ۷ مردادماه  
 ۶۹ ) مجددا یادآوری می شود که اظهار  
 ات و اقدامات فتن مربوط به قتل از حطه  
 عراق به کویت است. ضمنا به گزارش راد پوی  
 بی بی سی کویت تقاضای عراق را مبنی بر  
 ۱۰ میلیارد دلار کمک مالی رد کرده و تنها  
 حاضر به پرداخت حدود ۵۰۰ میلیون  
 دلار یعنی ۵٪ از میزان مورد نظر عراق  
 بوده است.

با اینهمه برای امپریالیسم آمریکا  
 و متحدش در منطقه، استفاده از اهرم  
 و اچها، اهمیت صرفا اقتصادی نداشته  
 و در خواست های رژیم عراق نیز صرفا  
 به وام محدود نمی شد. از سوی ایمن  
 رژیم که بلحاظ اقتصادی با بحرین مزمنی  
 روبر بود، نه فقط بخشش دیون و اخذ  
 و اچهای جدید و غرامت مطالبه شد بلکه فر  
 اتر از آن، دست یابی به درآمد های بالاتر  
 از طریق انضمام مناطق نفتی و افزایش  
 سهمیه در اوپک و نیز افزایش قیمت نفت  
 از جمله اهداف اقتصادی بودند که  
 در شرایط جدید میتوانست هدف گیری  
 شود. یعنی در شرایطی که در اثر جنگ  
 ۸ ساله خلیج، ارزش عراق بیش از پیش  
 قدرتمند شده و موقعیت سیاسی دولت  
 حاکم بر این کشور در میان سایر کشورهای  
 منطقه تحکیم گردیده بود، در چنین  
 شرایطی عظمت طلبی و همزبونی جوشی  
 بورژوازی عراق و تبدیل آن به  
 دست یابی به نقاط استراتژیک و راهیابی  
 مستقیم به خلیج فارس، محرک هایی بودند  
 که حمله این کشور به کویت را ایجاب کرد.  
 دولت عراق بدین اشغال کویت و صرفا  
 از طریق مذاکره نمیتوانست اهداف  
 سیاسی- اقتصادی فوق را تحقیر کند.  
 وجود اختلافات و کشمکش های مقدماتی  
 میان عراق و کویت و نیز عراق با آمریکا  
 و انگلیس که فوقا اشاره شد، نشان میدهد

که آمریکا و متحدش دیگر برای حمایت  
 بد ریخ از عراق مودی نمی بدند. چه  
 خود این حمایت، محصول شرایط جنگ  
 ایران و عراق بود و در آن زمان وظیفه  
 ایجاد توازن را در منطقه بعهده داشت.  
 بعلاوه این امپریالیست ها خواستار  
 "کنترل دقیق تری" بر عراق بوده اند.  
 زیرا که در یک موقعیت غیر جنگ، عراق  
 آن حکومت کاملا مورد اعتماد و اتکا امیر  
 پالیست ها بشمار نمی رفته است. بویژه  
 اهداف پان عربیستی دولت بعث عراق  
 و یافت ویژه ملیتاریستی آن راه را بر  
 هر گونه حمایت های بی قید و شرط و دراز  
 مدت آمریکا سدود میکرد. عراق پنهان  
 عربیست صرفا در مقابل ایران پان اسلا  
 نیست میتوانست مورد حمایت همه جانبه  
 امپریالیسم جهانی واقع شود.

بعلاوه وجود این کشاکش ها قبل  
 از اشغال کویت گویای واقعیت دیگری  
 هست و آن اینکه بر خلاف تبلیغات بلند  
 گویای امپریالیسم، اشغال کویت توسط عراق  
 برای آنها امری غیر قابل پیش بینی و غیر  
 مترقبه نبود. اما جلوگیری از آن بدو  
 صورت امکان داشت: ۱- از طریق دادن  
 امتیازات بیشتری به عراق که به معنای  
 رسمیت قائل شدن به نقش ژاندارمی برای  
 این رژیم بود. ۲- گسیل قوای نظامی  
 قبل از اشغال کویت و نه بعد از آن. راه  
 حل نخست برای آمریکا قابل پذیرش نبود.  
 و اما راه حل دوم نیز بجای آنکه منافع  
 آنی و دراز مدت آمریکا در منطقه را حفظ  
 کند، بر ضد آن عمل میکرد. اولاً در انتظار  
 جهانیان، بجای صدام و رژیم آمریکا  
 متجاوز معرفی میشد. لاجرم گروه  
 موقتا جلوی اشغال کویت گرفته میشد  
 اما، این یک پیشگیری دائم نمیتوانست  
 باشد. ثانيا امکان جلب رضایت متحدین  
 اروپایی آمریکا و نیز ژاپن مشکل میشد.  
 ثالثا بهره برداری از نتایج و عواقب  
 بحران را برای آمریکا سخت تر میکرد. لذا  
 به نفع امپریالیسم آمریکا بود که واکنش های  
 خود را در مقابل عمل انجام شده، ارائه  
 دهد و با توسل به آمادگی اذهان عمومی  
 با اشغال کویت به اهدافش در منطقه جامه  
 عمل بپوشاند.

واکنش بین المللی نسبت به اشغال کویت:  
 نه فقط نفس اقدام توسعه طلبانه  
 عراق، بلکه وجود شرایط خاص بین المللی  
 باعث شد که اکثریت قریب به اتفاق دلتهای  
 جهان اشغال نظامی کویت توسط عراق  
 را محکوم کردند و قطعنامه شورای امنیت

ان  
 ع  
 ر  
 ش  
 از  
 ۱۵  
 خ  
 نه  
 ط  
 آ  
 ر  
 ت  
 عم  
 مه  
 نه  
 ا  
 ی  
 به  
 د  
 ش  
 د  
 را  
 ن  
 ظ  
 د  
 آ  
 از  
 د  
 ج  
 خ  
 و  
 که  
 کر  
 قم  
 و  
 از  
 و  
 را  
 ا  
 ح  
 و  
 ک  
 د  
 پا  
 ا  
 د  
 د  
 ۳  
 ۴  
 ت  
 ا  
 د

نال کویت و بحران خلیج فارس

طل بدون رای مخالف، حکم به تحریم اقتصادی عراق داد و متعاقباً های نظامی آمریکا، انگلیس، فرانسه، و ۰۰۰ یکی پس از دیگری در خلیج سخر شدند بعلاوه کشورهای عرب آن منطقه نیز هر کدام بنا به سپهی در این لشکر کشی همسان گرفتند از جمله مصر، ترکیه، ن، مراکش، سوریه و ۰۰۰ و جسد هزار سرباز آمریکائی در منطقه را بر پیشرفته ترین و مرگبارترین ناو و موشک های کشورهای عضو ناتو حاصل این واکنش بین المللی ست و این در حالیکه که هزینه های نیروهای آمریکائی در عربستان یت عدم شلیک حتی یک گلوله، حداقل ۳۰۰ میلیون دلار بر سر ده است.

طیرم این تحریمات نظامی، عقب دولت عراق از مواضع اش به طریقی می دنبال شده است. از مذاکرات تقیماد ولت عراق توسط ملک حسین و با برگزفته اعمال فشار نظیر تحریم اقتصادی بن دارائی های عراق و کویت، چ، بایکوت زمینی، دریائی و بالاخره و اخراج کارشناسان نظامی عراق های عضو جامعه مشترک اروپا، ز جمله اقداماتی بود که برای عقب و سخت فشار قرار دادن دولت مال کردید که البته بدون لشکرکشی نیز میتوانست دنبال شود.

اینحال وجود این آمادگی نظامی خود این سوال را پیش می آورد مکان توسل به راه حل نظامی ب راندن عراق از کویت و جسد اگر چه جناح حاکم امپریالیسم نمایندگی جرح بوش توسل به راه حل را هرگز رد نکرده است، مجموعه شرایط کنونی، چنین ضمنی بنظر میرسد زیرا: یک دگرگونی نظامی، هر چند محدود، و اسلحه های نفتی عراق، عربستان، دیگر کشورهای منطقه، نخستین غیر نظامی هستند که در شعله های واهند سوخت و ضمنی صرف نظر از این، و مغلوب چه کسی باشد، شاهزک اقتصاد اروپا قطع خواهد شد. ثانیاً راه حل نظامی توسط بخش مهمی الیسم اروپائی - به استنادی دولت که تقریباً در کلیه موارد سیاستی بر آمریکا دارد - امری پذیرفتنی

نیمت و آمریکا نیز در شرایط کنونی با توجه به کسری بودجه عظیمش بدون حمایت متحدین اروپائی و ژاپنی خود قادر بر تسه تحمل مخارج و هزینه های یک جنگ همه جانبه نیست. ثانیاً، با توجه به عملکرد بحران سرمایه جهانی که در کاهش مداوم ارزش سهام و دلار رخ مینماید، آغاز جنگ بار اقتصادی عظیمی را برای کشورهای توسعه نیافته منطقه خواهد داشت و منجر به رشد جنبش های توده های خواهد شد. راهما آمریکا با تداوم بخشیدن به بحران و نه خاصه دادن به آن به طرق نظامی اهداف خود را بهتر میتواند دنبال کند.

پس چرا آمریکا بیشتر استقرار نیروهای نظامی در خلیج فارس شد؟ پاسخ را باید در وجود شرایط خاص منطقه ای از یکسو و شرایط تغییر یافته بین المللی از سوی دیگر جستجو کرد. در زاویه منطقه ای، اگر آمریکا و متحدینش در طی جنگ رساله ایران و عراق میتوانستند با توسل به حمایت های مستقیم و غیر مستقیم به طریقی اصلی تخصیص، توازن نسبی مطلوبشان را در منطقه ایجاد کنند و منافعیشان را از نظر بق دنبال نمایند، با پایان جنگ اما با شرایط دیگری روبرو شدند. خلیج فارس بدون زاندارمی قوی، اگر که تهاجم عراق به کویت در چنین شرایطی امکان وقوع داشت، همان شرایط نیز بر بستر شرایط مناسب بین المللی به آمریکا و ناتو اجازه داد که به استقرار نیرو در منطقه بپردازند. (صرف نظر از اینکه حضور طولانی مدت باشد یا نه) چنین اقدامی تحت شرایط سابق بین المللی غیر ممکن بود. تا هنگامی که پروتاریکا حلقه اتصال اقتصادی - سیاسی و ایدئولوژیک آمریکا و شوروی نشده بود، وجود قدرت نظامی شوروی مانع بالقوه استقرار وسیع قوای آمریکا در منطقه بود (حتی پس در نظر گرفتن این واقعیت که در آن زمان ارتش عراق با سلاح های شوروی تجهیز میشد) بر بستر تحولات اخیر مربوط به رشد و بسط سرمایه داری در شوروی و ایجاد تغییر اساسی در مناسبات و صف بندی های بین المللی، آمریکا امکانات بالقوه جدیدی برای گسترش قدرت نظامی خود پیدا کرده است. همین تغییر صف بندی های بین المللی باعث شد که آمریکا در طرح ریزی استراتژی جدید خود، آرایش نیروهای نظامی اش را تغییر دهد. خروج آلمان شرقی از پیمان ورشو و لاجرم خروج سربازان شوروی از این کشور بد نال وحدت د و آلمان، کاهش سربازان آمریکائی در آلمان غربی،

اینها نشانه هایی از این تغییرات هستند. و اما مواردی که ذکر گردید هنوز در برگیرنده تمامی عوامل و محرکات روایتش بین المللی نسبت به اشغال کویت نیست. اگر چه واکنش امپریالیسم جهانی در قبال بحران خلیج با قطعنامه های سازمان ملل در این رابطه تنظیم شده و ظاهرآ اتفاق آرا تمامی قدرتهای امپریالیستی را منعکس میسازد، اما با گذشت چند ماه از اشغال کویت بیشتر آشکار شد که تضاد منافع میان امپریالیستها خود محرکی مهم در این بحران بوده است. موضع آمریکا و انگلیس شدید بحران در اوائل کار بود و اکنون تداوم دادن به آن، این موضعگیری بلوک بوش - ناچر از ابتدا هدفمند بوده و اهداف مشخصی را دنبال میکند. با توجه به موقعیت تدافعی و شکننده شوروی، با توجه به شکل گیری یک " اروپای متحد " ( که انگلیس تحت رهبری حزب محافظه کار غیرمخالفت اولیه، اجباراً به این اتحاد کشیده شده است) و با توجه به وضعیت اقتصادی آمریکا و انگلیس که در آغاز یک دوره رکود نسبی قرار گرفته اند ( و تراز پرداخت های آنها مدتهاست که منفی بوده و سیر نزولی آن همچنان ادامه دارد ) حزب جمهوری خواه آمریکا و حزب محافظه کار انگلیس به موضعگیری شدید در قبال اشغال کویت دست زدند. اثرات افزایش قیمت و ایجاد بحران انرژی در میان کشورهای پیشرفته سرمایه داری، اساساً دامن زاین آلمان و فرانسه و ... را میگیرد و این کمی است در جهت تعدیل وضعیت تراز پرداخت های این دو کشور. آمریکا علاوه بر اینکه بخش زیادی از نفت مصرفی اش را خود تأمین میکند، صاحب واقعیتی بخش مهمی از کمپانیهای نفتی است و از بابت افزایش قیمت نفت سود، میرد. این بخش نظامی - نفتی آمریکا همانطور که از افزایش نسبی قیمت نفت سود میبرد، از ایجاد فضای مناسب برای فروش بیشتر تسلیحات خود به عربستان سعودی و سایر کشورها ی شومند منطقه استقبال می کند. انگلیس نیز نه فقط در اثر بهره برداری از نفت شمال و صرف دارائی را تأمین میکند، بلکه مقداری هم صادراتی دارد. ضمناً این کشور صاحب بزرگترین شرکت های بیمه است ( که این شرکت ها با آغاز بحران خلیج بلافاصله نرخ بیمه کشتی های نفتکش را به دو برابر افزایش دادند ) لذا ایمنی و د و کشور، اگر چه از بابت افزایش قیمت نفت و غیره بر نرخ تورم شان افزوده میشود

اش  
سازما  
جرا  
کشتی  
شوروی  
فارس  
سل  
راخو  
عهد  
اکت  
۴۰  
است  
صلاح  
بمان  
بوده  
استقرا  
ر ص  
اهان  
بود  
اند  
نظ  
بر م  
د کوی  
توکه  
رخا  
بوالی  
کشو  
بنها  
ندن  
ان ا  
ظلام  
با  
فود  
آها  
ای  
ارد  
بریک  
نص  
ما ت  
احتمال  
لا  
ها  
پیت  
و  
مداف  
نگ  
فالد  
جاتی  
سل  
امپ  
کلیت  
طبق

شمال کویت و بحران خلیج فارس

که این مساله گویانگیر تمامی کشورها - اما از این افزایش در مجموع بود - رند ، حال آنکه کشورهای نظیر - بن آلمان و فرانسه که عمدتا به واردات تا متکی اند ، وضعیت اقتصادی شان شتر به مخاطره می افتد و امکان رقابت ریکا و انگلیس با آنان افزایش مییابد .

بنامه کیهان به نقل از "توشی کوموتسو" مقامات بلند پایه حزب لیبرال دمکرات بن - حزب حاکم این کشور - مینویسد :

ادامه موقعیت بحرانی خلیج فارس ، هش نرخ رشد اقتصادی ژاپن راسالانه میزان یک درصد بد نیال دارد - این ر ( کاهش نرخ رشد اقتصادی ) بهه خای تحمیل هزینه های به میزان ۳۰ میلیارد ( بربرخارج سالانه بودجه ژاپن ویا "صنارت پگراز دست دادن ۳۰ میلیارد دلار از رآمد های سالانه ژاپن است . " ( کیهان ل مهرماه ۶۹ ) پس طولانی شد . بحران نیج ، راستای سیاست فعلی دو حزب آگم آمریکا و انگلیس در قبال بحران خلیج مت . در اینجا لازم است اشاره نمود که بربرداری دو کشور مذکور از افزایش مت نفت تا آنجا دنبال میشود که رات این افزایش بر نرخ تورم شان تا نامل بار باشد . بطوری که برزیلستی و کاور نیت طی رئیس جمهور سابق آمریکا رکگتوئی با روزنامه دود بمانش در اواخر هربروماه تاکید کرد که نگهداشتن قیمت ت در سقفی ۳۰ دلاری از اهدا اتملسی ریکا در مقطع کنونی است . ( درحالیکه نیال سیر نوسانات قیمت نفت ، در رقاطعی مت آن از بشکای ۴۰ دلار نیز فراتر سر ت . )

محرک دیگر آمریکا ، حفظ قدر قدرتی سرگردگن اش در جهان است . با توجه اینکه بحران مالی آمریکا ، مخاطراتسی در رابطه با حفظ قدرتی اش ایجاد کند ، اما استفاده از مانورهای نظامسی سترده آنهم در گلوگاه مهم انرژی دنیا واقع یک هشدار جدی به " اروپای نجد " فردا و ژاپن است و نشان دادن ینگ سرگردگی همچنان با آمریکا است در غیر اینصورت آمریکا از آن توان قدرتی برخوردار است که منافع رفیهان خود را بطور یر مستقیم به مخاطره افکند .

از سوی دیگر آمریکا ( و نیز بهد رجهای سعیف تر انگلیس ) از دو طریق به وضعیت قتصادی خود کمک میکنند . یک با تحمیل خشی از هزینه های نظامی شان بهه پگر کشورها . بطوریکه وزیر خارجه

آمریکا اعلام کرد ، عربستان سعودی امارات متحده عربی و " دولت در تمید کویت " متعهد شده اند ، ۲۰ میلیارد دلار بابت هزینه عملیات نظامی آمریکا در خلیج فارس بپردازند و این در حالیکه کمپناگون هزینه اعزام نیروهای آمریکائی را در سال ۹۱ ، پانزده میلیارد دلار ارزیابی کرد . همچنین آلمان و ژاپن نیز تقبل کرده اند که سه چندین میلیارد دلار بابت هزینه نیروهای آمریکائی در خلیج فارس بپردازند . فروش تسلیحات دومین طریقی است که به افزایش درآمد های آمریکا کمک میکند . فروش سه میلیارد دلار اسلحه و مهمات از سوی آمریکا به عربستان گواه آنست .

و اما موضع گیری کشورهای اروپائسی در رابطه با بحران خلیج . آنچه که از مذاکرات بوئ و گورباچف در هلسینکی منتشر شده ، نشان میدهد که شوروی مخالف راه حل نظامی برای خاتمه بحران است و بنا به اظهارات بوئ ، ما بین دو قدرت در رابطه با بحران خلیج ، اختلاف نظرهای تی وجود دارد . اما مهتر از موضع شوروی ، موضع متحدین اروپائی آمریکا در ناتو است که تمایل چندانی به وخیم شر در ان افشاع و گلا تداوم بحران ندارند و از برخورد نظامی نیز نمی توانند جانبداری کنند زیرا که سوای انهدام شاهسبرگ حیاتی آنها در خلیج ، نهایتا ساختار جدید اروپا را که دارد میروند با اتحاد دو آلمان و بد نیال آن شحقن اروپائی واحد ، بهسود سیاسی - اقتصادی نسبتا جدا از آمریکا را در ارتباط با مناسبات سیاسی و اقتصادی مطلوب تر با شوروی تجربه نماید ، بطرز جدی در معرض فروپاشی قرار خواهد داد . بنا بر این موضع عمومی این کشورها حل مساله کویت بطریق دیپلماسی ، کاهش شنج در خلیج و تثبیت بازار انرژی است . در این رابطه بخش هایی از بورژوازی آمریکا و انگلیس به این سیاست گرایش دارند . سفراء وارد همین نخست وزیر اسبق انگلیس به بغداد و مذاکره با صدام - طیرغم مخالفت دولت تاجر - نمونه ای از آنست . نمونه " آمریکائی آنرا میتوان در مواضع برزیلنسی ( مشاور سابق جیمی کارتر ، از حزب دمکرات ) ملاحظه کرد . وی اسروز داشت که اجتهال دارد اقدامات نظامسی در خلیج فارس ، افکار بین المللی را علیه آمریکا بشوراند و ضمنا یک برخورد نظامسی منطقه رایی ثبات تر خواهد کرد و به صنایع آمریکا صدمه خواهد زد . ( کیهان ۲۶ شهریورماه ) از میان کشورهای اروپائسی فرانسه که بیشترین روابط اقتصادی را با عراق داشت و از این لحاظ خسارت زیادی

را متحمل گردید ، در راستای یافتن راه حل های دیپلماتیک برای حل بحران ، بیشترین تلاشها را داشته است . در همین رابطه در اوایل مهرماه ، طرح ۴ ماده ای میتران به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه شد . در این میان صدام حسین ، با آگاهی به نتجاد موضع امپریالیست ها سعی کرده از طریق انتعاط نشان دادن در مقابل " گروگان " های فرانسوی و آلمانیسی و . . . از این تضادها به نفع خود بهره برداری کند ، قبل از همه اعلام آزادی شاه می " گروگان " های فرانسوی توسط حکومت عراق نشان میدهد که فرانسه بخاطر حفظ منافع خود بیشتر از سایرین حفظ منافع عراق را نیز در ارائه راه حل هایش در نظر میگیرد .

نتایج و اثرات بحران بر کشورهای منطقه

قبل از همه ، تاثیر تحولات اخیر را بر موقعیت عراق میبایست بررسی نمود . رژیم عراق و سمبل آن صدام حسین به سبک خواست در برینه ناسیونال - شوینستیسی بورژوازی عراق که اما توده ها را بد نیسسال دارد ، پاسخ مثبت داده است . با اینکه خواست الحاق کویت قبال نیز از جانب سردمداران عراق طرح شده بود و اقدامات ناکامی نیز صورت گرفت ، اما اقدام قطععی را رژیم صدام بعمل آورده است . صرف نظرا از اینکه عراق بتواند در طولانی مدت کویت را حفظ کرده یا آنرا رهسب سازد ، بلحاظ سیاسی ( سرقا در رابطه با وضعیت داخلی ) حزب بعث موقعیت برتر خود را در عراق تثبیت نمود . با استفاده از احساسات ناسیونالیستی و پزگاذب ضد امپریالیستی برخواست بسیاری از توده های عرب و عمدتا توده های فلسطینی بهه اصطلاح پاسخ مثبت داده است . بویژه که رژیم عراق با استفاده از شعبات ناشی از اشغال کویت یعنی حضور نظامی آمریکا در منطقه و تحریمهای اقتصادی غرب ظاهرا بر موضع ضد اسرائیلی تکیه زده و خروج خود از کویت را در ارتباط با خروج نیرو های صهیونیستی از فلسطین اشغالی قرار داد . این رژیم البته موقتا حمایت دولت های عربی را از دست داد اما میتوان پیش بینی کرد که تحت فشار نیروهای درونی و از جمله فلسطینی ها ، آوج گیری احساسات ضد آمریکائی و بخاطر اقتصادان پایه های توده های ایران و . . . بتدریج این دولت ها مواضع نرمتری را در قبال عراق اتخاذ خواهند کرد . از هم اکنون اردن درین مسیر قرار گرفته است که این موضوع

ربه اردن نخواهد بود. اظهارات قاع هرستان در اوایل آبان ماه بر دادن امتیازات سیاسی به عراق ورت تخلیه خاک کویت - هر چند که آنرا تکذیب کرد - نشاندهنده فاع انعطاف پذیری آنها در قبال عراق

و اثر شرایط جدید تاثیرات معین بی از کشورهای منطقه وارد می آید. ر اعمال تحریم های اقتصادی علیه برخی از کشورهای منطقه متحمل اتی گردیدند. مصر اردن و ترکیه سوری هستند که در منطقه از این بابت یشترین مخاطرات اقتصادی روبرو . بطوری که بانک جهانی درصدد ا تدابیری برای جبران برآمدند.

ت اقتصادی مصر، با قروض و دیون ی که به آمریکا دارد، وخیم تر شده و فضا از سوی مقامات آمریکائی عنوان ه بعلت بحران بود که این کشور، ن این دیون در حال حاضر منتفی . لذا میتوان پیش بینی کرد که این ل، تاثیرات مشخصی را در جهت جنبش توده های در منطقه باقی بگذارد .

ن اوضاع رژیم هاشمی در اردن را از هم میتوان ملاحظه کرد. موقعیت این لحاظ سیاسی و اقتصادی به مخاطره است. فشار توده های اردنی بصو لاهرات گسترده به حمایت از صدام حسین و بر ضد غرب پس از اشغال و وضعیت این رژیم را متزلزل ساخته ارا سبب گردید که در مواضع همیشگی نسین دائر بر تأیید و دنبالیه روی است های واشنگتن خلل ایجاد کند . رژیم هاشمی باز مجبور خواهد شد بر فظ موجود پیش بر حمایت از فلسطینی و صل کردن حل مساله فلسطین با مسئله کویت بکوشد .

ش از این جنبش فلسطین گر چه سبب اعی اشغالی یا امواج خروش سبانی بود اما بعلت وضعیت راکد جهانب ر خود خفه میشد. اینک اما ایسن برای یک دوره بلند کویپدا نموده . تود های فلسطینی از بلند گویهای ریسم صدامی و فریاد خود را بگوش یان میرسانند. حل مسئله فلسطین ن آنچه که قبل ماهین سران ای عربی و آمریکا به توافق رسیده مخالفت اسرائیل را بد نبال داشته مجدد ا موضوعیت خواهد یافت توجه به عملکرد سازشکارانه رهبری میتوان انتظار داشت که با استفاده اساسات موجود ملی گام های خود

را در جهت سازش با دول عربی و غربیسی منظم تر و سر بهتر کند. لذا گرچه جنبش فلسطین اوج بیشتری گرفته و حمایت از آن افزایش مییابد اما بدلیل رهبری اش و پشت جبهه اش عراق که برای مصالح ناسونال شویبستی حاضر است بسه راحتی آنرا قربانی کند، در طولانی مدت چیزی نصیب جنبش فلسطین نخواهد شد. بلکه موقعیت برای انحراف آن از مسیر انقلابی آماده تر خواهد شد و سران عرب نیز خواهند کوشید در این گیرودار مسئله فلسطین را یکسره کنند.

همچنین تاثیرات بحران اخیر بر سوریه باعث میشود که این کشور از حالت یک " دشمنی غرب" خارج شود. حرکت شتابزده سوریه در پیوستن به اتحادیه عربیه پس از اشغال کویت و نیز ارسال نیرو به خلیج فارس آغاز این روند است. همچنین نقش سوریه در قلع و قمع رهبران مسیحی های لبنان برای پایان دادن به جنگ داخلی در لبنان و سکوت تأیید آمیز غرب در این رابطه نشان میدهد که رژیم سوریه در جهت تأمین منافع غرب در منطقه خاورمیانه

تحركات خود را شدت خواهد داد. و اما وضعیت رژیم های حوزه خلیج فارس. باتوجه به شرایط پیش آمده برای کویت، وضعیت این رژیم ها متزلزلتر خواهد شد. در این رابطه اساسا آینده رژیم کویت و اردن بلحاظ دیگری مستقیم در این "ماجرا" از اهمیت بیشتری برخوردار است. رژیم کویت، حتی اگر که عراق مجبور به عقب نشینی از خاک کویت شود، دیگر رژیم قبلی نخواهد بود. حتی اگر در کوتاه مدت سران آن دوباره بازگردند. در این رابطه اساسا حکومت امری در منطقه پایه های متزلزل میشود به احتمال قریب به یقین ما پس از عقب نشینی عراق، انتخاباتی در کویت برگزار خواهد شد و این کشور بصورت جمهوری در خواهد آمد و این خود بر سایر امیرنشین هانا تاثیر خواهد گذاشت. از هم اکنون امری " دولت در تبعید کویت" وعده هاشمی در رابطه با " دمکراسی پارلمانی" داده است و این موضوعی است که قبل از " درخواست های اپوزیسیون قانونی کویت بود. چشم انداز برای بحران و موقعیت عراق

آینده عراق چه خواهد شد آیا این کشور خواهد توانست، کویت، این کشور کوچک عرب را که با تولید سالانه ۹۱ میلیون تن نفت و با بیش از ۲۰۰ میلیارد دارایی در آمریکا و اروپا جزو ثروتمندترین کشورهای جهان محسوب میشد برای همیشه ببلعد ؟ در یک بررسی عمومی بلحاظ صف بنسندی

نیروهای جهانی و برآیند آن، احتمال انضمام کویت به عراق بسیار ضعیف است و اینرا میتوان از جمله احتمالات ضعیف که در تحلیل کنونی نمیتواند نقطه اتکاء باشد در نظر گرفت. احتمال قوی تر آنست که رژیم عراق با کسب امتیازات سیاسی از کویت خارج شود. در این حالت ایمن یک پیروزی برای عراق خواهد بود، هرچند نه یک پیروزی مطلق. از هم اکنون سران منطقه برای یافتن راه حل هایی که متامنع عراق را تضمین کند، تلاش میورزند. رهبری ساف (عرفات) طرحی را درین باره ارائه داد که بر طبق آن خروج عراق از کویت و همزمان استقرار نیروهای نظامی کشورهای عرب تحت نظارت سازمان ملل تا برگزاری انتخابات پیش بینی شده بود. البته این طرح در هنگام ارائه نتوانست توجه غرب را جلب کند اما از آنجا کسه بخشی از امیرالیهیت ها نیز خواهانان خاتمه بحران و تثبیت منابع انرژی هستند مجدد ا طرح هایی از این دست موضوعیت خواهد یافت. از جمله طرح ۴ ماده ای میتران رئیس جمهور فرانسه که در دوم مهر ماه به جمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه گردید، حاوی پاره ای عقب نشینی هاست، طرح مذکور ابتدا بر لزوم خروج عراق از کویت تأکید میکند و در مرحله دوم جامعه بین المللی منجر به تضمین عقب نشینی نظامی، استقرار حاکمیت کویت و مراجعسه به آراء مردم کویت به شیوه ای " دمکراتیک" خواهد بود.

این طرح که عقب نشینی نیرو هسبای نظامی از منطقه خلیج فارس، پس از ترک کویت توسط عراق را در بر دارد، نشان میدهد که این بخش از پیروزی از استقرار طولانی مدت نیروهای آمریکائی در منطقه ناخرسند است. در همین رابطه نخست وزیر ایتالیا نیز ابراز داشت که بحران خلیج تا قبل از مراسم حج در مکه باید خاتمه یابد اما از سوی دیگر جرج بوش هنیسوز در پی بهره برداری از تبعات سران، از آشتی ناپذیری با عراق و شهید یه های گاهوبیگناه نظامی تبعیت میکند. صدور قطعنامه سازمان ملل در رابطه با محاز شمر دن اقدامات نظامی بر علیه عراق در صورت عدم تخلیه کویت توسط این کشور و نسیز تعیین اولنیهاتوم برای عراق از جمله این اقدامات محسوب میشود که در واقع حفظ موضع تهاجمی آمریکا در مقابل تحركات دیپلماتیک امپریالیسم اروپائی مد نظر داشته است.

به این ترتیب قابل پیش بینی است که

منحه  
وزیر  
بینی  
دره  
بعد  
بلنیت  
است  
بر بر  
در ا  
عراق  
خسا  
سه ۵  
با به  
شدن  
اتفا  
وضع  
بسیا  
است  
شد  
بخش  
است  
شرای  
رشد  
وخوا  
اکتوز  
رژیم  
افتاد  
رت  
ملک  
کویت  
و اج  
ملک  
از  
لذا  
ای  
ها  
حل  
در ا  
روبرو  
عرب  
جنبه  
است  
پان  
جها  
بر ط  
کشور  
بود  
است  
ساف  
زا

اشغال کویت و بحران خلیج فارس

طیرم هم‌آوازی ظاهری امپریالیست‌ها با تدویم بحران شکاف در صفوف آنها زیادتر شود اما بلوک بوش - تاجر باز هم خواهند کوشید آماده‌باش نظامی را در خلیج فارس تدویم دهند. \* "هنری کیسنجر" وزیر خارجه سابق آمریکا از حزب جمهوری خواه ضمن ابراز نگرانی از اینکه "ممکن است اتفاق نظر سیاسی بین المللی که بر سر حل این بحران پدید آمده برای مدت طولانی دوام نیاورد" تاکید کرد "ما نمی‌توانیم پس از استقرار در خلیج فارس بدون دسترسی به هدف هامپان از منطقه خارج شویم". بهر حال باید در نظر داشت در شرایط کنونی، با توجه به اینکه ارزش دلار در مقابل ارزهای اروپایی به پایین‌ترین رقم خود پس از جنگ جهانی دوم و در مقابل ین ژاپن به پایین‌ترین رقم در ۲۰ سال گذشته رسیده است، با توجه به اینکه کسری موازنه پرداخت آمریکا در ماههای اوت و سپتامبر سیر نزولی شدیدی داشته، آمریکا دگستر آن نیروی نیست که بدون جلب حمایت متحدین خود، از موضع ژاندارم بین‌المللی بتواند تحولات دنیا را رقم بزند. و احتمال اینکه اجبارا به راه‌حل‌های دیپلماتیک رقیبان اروپایی خود برای حل مسئله خلیج تن‌بدهد زیاد است. اگر کس احتمال حمله نظامی به خاک عراق را کنار بگذریم، و اگر از اتفاقاتی مثل کودتا بر سر علیه مدام و غیره بگذریم (که قابل پیش‌بینی برای ما نیست) رژیم عراق از این بحران نوری‌تر بیرون خواهد آمد. البته نوری‌تر بلحاظ وضعیت درونی و موقعیت در جهان عرب و نه الزاما تقویت نیروی

\* اگر چه حضور طولانی مدت آمریکا در خلیج واکنش‌توده‌های ضد میلیتاریستی را در کشورهای آمریکایی و اروپایی دامن خواهد زد. طبقه کارگر این کشورها با تحمل مخارج و هزینه‌های لشکرکشی‌های نظامی و با کاهش سطح زندگی به آکمیونهای اعتراضی روی خواهند آورد. از هم‌اکنون اکسیون‌های اعتراضی در آمریکا و فرانسه یعنی دو کشوری که بیشترین نیروهای نظامی را در منطقه دارند، برپا شده است. تظاهرات ۲۳ هزار نفری ژاپنی‌ها در مقابل مقر نیروهای آمریکایی در توکیو، که در اعتراض به اعزام نیروهای نظامی از طرف این کشور ترتیب داده شده بود، نمونه‌ای دیگر از واکنش‌های ضد میلیتاریستی - ضد آمریکایی توده‌ای است.

نظامی‌اش که در این باره ممکن است به تدریج در اثر تحریم و سیاست‌های عمومی بین‌المللی ضعیف‌تر شود. همچنین قابل پیش‌بینی است که عراق در مقابل عقب‌نشینی از خاک کویت به اخذ امتیازاتی نائل شود. اما این رژیم به احتمال قریب به یقین در درجه اول همچنان سیاست خود را بر انضمام خاک کویت قرار می‌دهد تا گذشت زمان این موضوع را از صدر اخبار و مسائل مهم دور کند. در این رابطه رژیم عراق از تاکتیک‌هایی مثل شدیدا همبستگی ناسیونالیسم عربی، احسانات تأیید آمیز توده‌های عرب و از این طریق فشار بر دولت‌هایشان و شل و مفلست کردن خروج "گروگان‌ها" از این کشور و بهبود مناسبات باح. استفاده خواهد کرد و به شدت به فشارهای بین‌المللی در باره خروج نیروهای آمریکایی از منطقه و تشدد ما بین قدرت‌های امپریالیستی درین رابطه و بر اثر شدن تحریم اقتصادی بر وضعیت عراق در طولانی مدت، دل‌خود اهد بست. در صورتی که فشار کنونی بین‌المللی ادامه یابد و بویژه تحریم اقتصادی بر وضعیت عراق کارآیی جدی داشته باشد، آنگاه سیاست کسب امتیازات دنیال خواهد شد. در حال حاضر عراق بدون کسب امتیازات مشخص از کویت بیرون نخواهد رفت. اگر که عراق قادر نباشد به‌الحاق کویت رسمیت بخشد و نیز تحت مجموعه شرایط بین‌المللی نتواند امتیازاتی کسب کند، آنگاه میتوان انتظار داشت که بحران خلیج وارد پروسه‌های طولانی و فرساینده شود.

تأثیر اشغال کویت بر موقعیت جمهوری اسلامی -

اشغال کویت و تبعات ناشی از آن، تأثیرات مشخصی را بر موقعیت ج.ا. چه بلحاظ داخلی و چه از نظر منطقه‌ای و بین‌المللی باقی گذاشت که در جای خود حائز اهمیت است. نخستین اثرات مستقیم و بلاغصل بحران خلیج، بر روند صلح میان دو کشور ایران و عراق آشکار شد و در پی آن، تقاضم خونین ۸ ساله و مذاکرات کشنده اردو ساله، پس از برقراری آتش‌بس جای خود را به روند بهبود روابط سپرد. هر چند آغاز پروسه صلح به تحولات اخیر مربوط نمی‌شود اما بحران ناشی از اشغال کویت و تغییر صف بندی‌های سیاسی منطقه سبب شد که پروسه صلح خود با بحران مذکور مرتبط شود و موقعیت‌های جدید دو کشور در کسب امتیازات مربوط به صلح موثر واقع گردد. ظاهرا اعلام پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجز

ایران سوی صدام، خروج نیروهای نظامی این کشور از خاک ایران و آزادی اسرا، نشان می‌دهد که روند صلح میان ایران، عراق، با عقب‌نشینی صدام از مطالباتش امری خاشه یافته است. اما بررسی دقیق این روند و عدم عقد قرارداد قطعی صلح میان دو دولت مشخص میکند که این روند طیرم سرعت یافتن اما هنوز تمام شده نیست. در این رابطه مراجعه به متن نامه‌های مبادله شده بین صدام حسین و رفسنجانی، بخصوص دو نامه صدام به تاریخ ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۰ و ۲۴ اوت ۱۹۹۰ نقاط باقی مانده گرهی را درمذ - اگرکات صلح نشان می‌دهد. صدام حسین در نامه ۲۰ ژوئیه خود بر مواردی تاکید کرد که بعدا در نامه ۱۴ اوت نصبت به آنها عقب‌نشینی نمود. از جمله تعیین زمان بندی دو ماهه برای عقب‌نشینی از اراضی ایران پس از تصویب نهایی توافق همه‌جانبه صلح و نیز منوط کردن آزادی اسرا به انعقاد قرارداد مذکور. این موارد قبلا نیز مطرح شده بود و در مقابل جمهوری اسلامی اجرای سریع و مورد فوق را خواستار بود، حکومت بعث عراق از این موارد عقب‌نشینی کرد اما بنده‌هایی از نامه ۲۰ ژوئیه صدام جدا در نامه مورخه ۱۴ اوت وی مورد تاکید قرار گرفت. وی در بند یک این نامه گفته است: "با پیشنهاد شما متذرج در نامه جوابیه هشتم اوت، ۱۹۹۰ که توسط آقای برزان ابراهیم تحریر شده ما در ژنو از نمانده شما آقای ناسری دریافت شد و ناظر بر لزوم قرارداد دادن عهد نامه ۱۹۷۵ میباشد. ضمن مرتبط دانستن آن با اصول متذرج در نامه سی ژوئیه ۱۹۹۰ ما بویژه در مورد مبادله اسرا و بندهای ۷ و ۶ و قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت موافقت میشود."

در این بند، قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به تنهایی مبنای مذاکرات اعلام نشنیده است بلکه پیوستی نیز دارد: نامه سی ژوئیه صدام. واما مهم‌ترین رکن این نامه یعنی بند ۶ خود در تضاد با قطعنامه ۱۹۷۵ الجزایر است. به بند ۶ از نامه مورخ ۲۰ ژوئیه صدام توجه کنید: "بعثت در پهرامون شرط العرب بر مبنای سه عنوان زیر انجام گیرد: الف: حاکمیت کامل بر رودخانه متعلق به عراق باشد، زیرا که حق تاریخی و مشروع آنست. ب: اعمال حاکمیت در شرط العرب از سوی عراق، توأم با اجرای شیوه خط‌تالوگ در زمینه گشتیرانی بنحوی که عراق و ایران

## انتخابات مجلس خبرگان و پیامدهای آن

ایت وی عزل گردید و یا در مقطع مرکب مبنی و حتی پیش از اعلام رسمی فسوت ابتدا تقسیم قدرت میان عناصر صاحب و ذ در حکومت اسلامی یعنی رفسنجانی خامنه‌ای صورت گرفت و سپس مجلس خبرگان بر این تصمیمات مهر تأیید زد خامنه‌ای را رهبر نامید. در آن مقطع انی بعلت جو "وحدت طلبی" ناشی مرگ خمینی، حفظ ارگان حکومت اسلامی نیز تقسیم قدرت میان جناحین اصلی، نالفت چندی با این انتخاب صورت گرفت.

خامنه‌ای نیز تلاش کرد در ادامه ش خمینی در ایجاد توازن میان جناح ای مختلف، اینبار در شرایط وجود یک ازن رسمی بصورت قطب ائتلاف میان ش میانجی گرانه و پدرانهای در رابطه نیروهای حواشی قطب و جناحی که کون خود را "خط امامی" می خوانند، یا کند که درین زمینه توفیق چندانی دست نیارورد زیرا صرفاً خاموش نگه داشتن نها را مد نظر داشت. لذا تضعیف ر چه بیشتر موقعیت آنها و تأیید سیاست ژیم در این رابطه توسط خامنه‌ای باعث د که این نیروها به مخالفت علنی با نام ولایت فقیه بپردازند. جناح موسوم و خط امام یعنی همان "تندروان" جناح ولایت سابق که اکنون تحت رهبری محتشمی - موسوی خوئینی‌ها فعالیت خود را تشد د کرده‌اند، تنها راه حفظ قدرت خویشی ا دست یافتن بر کرسی‌های مجلس خبرگان احمیان حذف خامنه‌ای یا وادار ساختن بی به تبعیت از سیاست خمینی در حفظ نافع تمامی جناح‌ها یافتند و توانستند با جذب تعدادی از نیروهای بیطرف مجلس شورای اسلامی، یک کانون مخالفت بر علیه نطب ائتلاف میان راه شکل دهند. اما مجلس خبرگان در آخرین نشست خود، شرا یط‌کاندیداتوری مجلس خبرگان را تضییع داد بطوریکه اگر در انتخابات گذشته تنها تأیید اجتهاد داوطلبین توسط سه تن از مد رسین حوزه علمیه قم صورت میگرفت اکنون میبایست شورای نگهبان که خود عمدتاً منتخب ولی فقیه است، مجتهد بودن داوطلبین را تأیید کند. و شورای نگهبان نیز در اجرای این مصوبه مسئله امتحان اجتهاد را مطرح ساخت که البته شامل حال همه کاندیداهمسا نمید. حسن کنجی رئیس نظارت بر انتخابات در گفتگویی با کیهان که در شماره

۱۹ شهریور این روزنامه درج شد گفت: ثبت نام شدگان به چهار گروه تقسیم میشوند: ۱- کسانی که رهبری اجتهاد آنها را تأیید کرده است. ۲- افرادی که شورای نگهبان اجتهاد آنان را تشخیص میدهد ۳- کسانی که نزد علمای شهر خود مشهور به اجتهاد هستند و قرائن و شواهد نیز نشاندهنده اجتهاد آنهاست. ۴- گروه چهارم افرادی که نیازمند امتحان میباشد.

اتخاذ چنین تصمیمی از سوی مجلس خبرگان، با عکس العمل حادی از جانب جناح موسوم به "خط امام" مواجه شد و منجر به کشمکش‌ها و حتی درگیریهای فیزیکی در مجلس گردید. این جناح در مخالفت با چنین تصمیمی اعلام کرد: اعلام تأیید اجتهاد داوطلبان مجلس خبرگان نمیتواند از سبب سوری آرگانی چون شورای نگهبان که خود منتخبتب رهبری است صورت گیرد چرا که این مجلس باید رهبری را انتخاب نماید.

این جناح و در رأس آن محتشمی اعلام کردند که این حرکت یعنی تغییر شرایط انتخاب شوندگان نوعی نقیض یک جناح و یک جناحی شدن این مجلس است. محتشمی گفت: خمینی به حفظ تعادل میان دو جناح اعتقاد داشت و آنرا رعایت میکرد اما امروز قرار است شعبین صلاحیت کاندیداهاتوسط شورای نگهبان صورت گیرد و این در حالت تفکر خاصی است. اما همه تلاشهای جناح مخالف بی شکست مواجه شد و امتحان اجتهاد برگزار گردید. برخی از داوطلبین که شرکت در این امتحان را دونشان خود میدانستند (کروبی، محتشمی، خلخالی) از شرکت در آن سرباز زدند. در مجموع از ۱۶۰ داوطلب تنها صلاحیت ۱۰۹ نفر مورد تأیید قرار گرفت. از این عده سه تن سن و از جمله موسوی خوئینی‌ها در اعتراض به پیشبرد چنین شیوهای از کاندیداتوری اعلام انصراف کردند. از زمان اعلام کاندیداهای تأیید شده تا مقطع برگزاری انتخابات، سخنرانی‌های شدیدالحنی علیه رفسنجانی، خامنه‌ای و شورای نگهبان در مجلس ایراد شد از جمله خلخالسی طی نطقی در مجلس اعلام کرد که او راجرم کشتارهای سالهای اولیه انقلاب حذف کرد‌اند و حال آنکه وی بدستور خمینی و بعنوان حاکم شرع این احکام را صادر

کرده است. او گفت آنها که اکنون لگه آدم می‌کشند صلاحیشان چگونه تأیید شده است. عباس دوزدروانی نماینده دیگری از همین جناح گفت: که در برخی از استانها تعداد کاندیداهای نزدیک به تعداد نمایندگان مورد نیاز می‌باشد در هفت استان تعداد کاندیداهمسا و نمایندگان برابری دارد و در دو استان تعداد کاندیداهای کمتر از حد لازم است و در یک استان اسامی کاندیداتی تأیید نشده (بوشهر) و افزود چنین انتخاباتی از نظر حقوقی اشیبه به انتصاب است تا انتخاب و در اثر عملکرد شورای نگهبان و جناح مورد اتفاق چنین وضعی پیش آمده او همچنین گفت که "طرح مسائل سیاسی و صلاحیت و عدم صلاحیت سیاسی و اعتقادی کاندیداهای... تنها منظور حذف جناح خط امام میباشد و اینکسه عضوی از فقه‌های شورای نگهبان به یکی از کاندیداهای می‌فرمایند شما چه نمره قبولی چه غیر آن بگیرید معلوم نیست تأیید شوید." در مقابل جناح دیگر نیز به پاسخگویی پرداخت و از جمله اربابی‌فرد مدعی شد که: "تعدادی از کاندیداهای که از قبل با حد اجتهاد برای عضویت در مجلس خبرگان مخالف بودند و آنهم احتمالاً بخاطر اطلاع از بضاعت علمی خودشان بود به این امید که سخنرانها و غوغا سالاری شاید راه مفری ایجاد کند از شرکت در امتحان خود داری نمودند. اینان خود را اعضا طرفدار خط امام میدانند باید بدانند که حضرت امام سال ۵۹ به بعد را سال قانون نامیدند. "دا-نه سخنرانها و درگیرها همجنسسان در مجلس شورای اسلامی و با نزدیک شدن زمان انتخابات مدام شدت میگرفت. سرانجام ولی فقیه به صحنه آمد و طبعی سخنانی که در ۱۱ صبرماه یعنی پنج روز پیش از انتخابات ایراد کرد سعی کرد از گسترش درگیرها بکاهد. خامنه‌ای درگیرهای فوق را "روشی جهت پیدا کردن حق و روشن شدن راه درست" نامید و اعلام کرد که اگر کوچکترین خطری نظام را تهدید کند همه دست در دست هم به دفاع بپردازند خواست.

وی ضمن تأکید بر عملکرد شورای نگهبان از این ارگان بعنوان دستگاه تضمین کننده حقانیت و اسلامیت نظام نام ببرند و افزود اهانت به این ارگان را تحمل نخواهد کرد. و سپس به شیوه معمول جمهوری اسلامی همه نهاد های حکومتی همچون سپاه و ارتش، جمعیت روحانیت

از رفقهای حوزه علمیه قم و... حمایت پشتیبانی خود را از این سخنان ابراز شدند. در همین روز شورای نگهبان را با صدور اطلاعیه‌ای هر گونه اعلام بردار تعیین صلاحیت کاندیداهارا وود دانست و اعلام نمود که تعیین صلاحیت ها بدون توجه به خواسته های آنها و گروهها و تنها بر مبنای شرعی رت گرفته است.

جناح موسوم به خط امام تلاش کرد گرد هم آیی هائی در دانشگاه ها زار نماید اما موفقیتی در این زمینه مت نیاورد. سرانجام آنان تصمیم نند با ارائه طرحی به مجلس مبنی بر "انتخابات مجلس خبرگان در صورتی ن اجرائی خواهد داشت که کاندیدان انتخاباتی هر حوزه دو برابر تعداد نندگان تعیین شده در آن باشد." برگزاری انتخابات شوند اما این یک روز پیش از روز انتخابات مسمه س ارائه شد و نمایندگان جناح مفاصل دم شرکت خود در جلسه مزبور، مجلس با ۱۸۰ نماینده می توانست رسمیت از اجرای چنین تصمیمی بازداشتند با این ذکر است که اکثریت آراء مجلس نتاج خط امامی ها دارند.

سرانجام انتخابات در محیطی کاملاً سی و تحت کنترل شدید امنیتی در روز برگزار شد و همچون دیگر موارد مشابه، نان که می بایست انتخاب شوند از وقتها بیرون آمد. مکن العمل مردم در مقابل درگیریهایی مکن های درونی هیئت حاکمه انتخابات فرمایشی فوق بی تفاوت شمر همیشه بود. بنا به ادعای رژیم ۴۶٪ بن شرايط در انتخابات شرکت کردند. بند که خامنه ای شرکت در این انتخاب را "واجب شرعی" نامیده بود. امسا عدم شرکت مردم بیش از ۴۶٪ بوده. اصغر زاده یکی از نمایندگان وابسته ناخ "خط امام" در سخنانی که ۲۱ مهماه در مجلس ایراد کرد مدعی که از ۳۱ میلیون واجدین شرايط، ۱۱ میلیون یعنی حدود ۳۵٪ در بات شرکت کرده اند. او گفت حتی در ن از ۶ میلیون واجدین شرايط ۱/۱۰ یعنی کمتر از ۱۰٪ رأی داده اند. زاده با مقایسه انتخابات کنونی خبرگان با انتخابات قبلی آن در ۸ پیش که از ۲۲ میلیون واجدین شرايط یلیون شرکت کرده بودند وضعیت رژیم را خطرناک توصیف کرد و آنسرا از عملکرد جناح مقابل دانست.

حال آنکه واقعیت بگونه دیگرست مردم و بویژه بخش زیادی از آنها ۸ سال پیش به رژیم متوهم بودند اما اکنون ماهیت رژیم را بخوبی شناخته اند و بد رستی در یافتند و حاضر نیستند در انتخابات سرکوبگران خود - از هر جناحی که باشند - حضور یابند.

در حالیکه سخنرانیهها و نطق های تند و آتشین در مجلس علیه طراحان حذف جناح "خط امام" از مجلس خبرگان ادامه دارد. آنها سنگر اصلی خود را اکنون مجلس شورای اسلامی یافته اند که اکثریت آراء از آن خود دارند و تلاش دارند از این ارگان بهترین استفاده را در راه سنگ اندازی در پیشبرد برنامه های جناح مقابل ببرند. اما "مجمع تشخیص مصلحت" مانع بزرگی در مقابل آنان خواهد بود. بطوریکه بزودی گوشزد کرده است "این مجمع خواهد توانست در وقت اضطرار موقتا قانونگزاری نماید" و با این ترتیب این حربه آنها نیز ظاهراً کارائی و برائی چندانی نخواهد داشت.

چنین بنظر میرسد که موقعیت جناحها ی اصلی درون هیئت حاکمه پس از مسرک خمینی، مدام به تقط قطب اختلاف میانته و کاهش نفوذ و اقتدار نیروهای حاشیه ای دو جناح اصلی حاکمیت به پیش رفته است. اولین و بزرگترین تمفیه جناح موسوم به خط امام یعنی همان داریدسته خوشی ها، محتشمی کروی و... در جریان تعیین هیئت دولت صورت گرفت. اکنون این جناح هر چند اکثریت را در مجلس دارد و در ارگانهای سرکوب نظیر سپاه و بسیج و کمیته و جهاد سازندگی و... دارای نفوذ قابل توجهی است و همچنین مجمع روحانیور ن مبارز را بعنوان ارگان ایدئولوژیک برسا ساخته. دارای روزنامه ای بنام "سلام" و تحت مدیریت خوشی هاست و مدعی است که این جناح مبلغ اسلام ناب محمدی است و همچنین هفته نامه "جهان بسا" مدیریت محتشمی را منتشر میسازد. اما سمت گیری حرکت جناح رفسنجانی حذف تدریجی آنها از طریق کاهش قدرت و نفوذ دشان در ارگانهای حکومتی است که از دو طریق صورت خواهد گرفت: حذف فیزیکی از طریق تمفیه ها و استفاده از حربه تبلیغاتی بر علیه آنها و حتی در مورد برخی از رهبران این جناح بیرون کشیدن بیرونده های مربوطه به دزدی ها و چپاولگریهای آنان. (نمونه بارز آن دستگیری برادر رکوبی در رابطه با اختلاس از بنیاد شهید) جمهوری اسلامی اکنون به مرحله ای از حیات خود رسیده که دیگر قادر نیست به شیوه

گذشته روی پای خود بایستد. سرمایه گذاری ایران جهت سازماندهی استثمار بگونه ای که از سود دهی و رقابت لازم بر خودار باشد و قادر به جذب سرمایه ها باشد نیاز به تضمین هائی دارد که این امر جز از طریق یکپارچگی نسبی قدرت حاکمه و پیشبرد سیاستی هماهنگ در عرصه داخلی و بین المللی میسر نیست. حذف ارگانهای موازی که از مدتها پیش آغاز شده و تا حدودی نیز به پیش رفته است در تداوم چنین سیاستی است. جمهوری اسلامی اگر در اتخاذ و تحقق سیاستی که در پیش گرفته موفق شود و بطرف همه موانع جناح رقیب را بکلی حذف کند اما همچنان با یک تضاد که ذاتی این رژیم مذ هبی است مواجه خواهد بود و آن نقش مذ هب در هرم قدرت است و این تضاد و تناقض زمانی حل خواهد شد که دین از دولت جدا شود. اما در آن صورت این رژیم در بگر رژیم جمهوری اسلامی نخواهد بود.

### اشغال کویت و بحران خلیج فارس

بین المللی کم رنگ نموده است. بی جهت نیست که هنگام سفر ولایتی به نیویورک برای شرکت در چهل و پنجمین اجلاس سالانه سازمان ملل، وی با رؤسای نمایندگی حدود ۶۰ کشور ملاقات و مذاکسره داشته است. از جمله مذاکره با نخست وزیر ایتالیا و نمایندگان فرانسه، کانادا، برزیل، اتریش، دانمارک، شوروی و... و این بیانگر مناسب ترین شرايط برای خروج رژیم جمهوری اسلامی از انزوای بین المللی است. در همین رابطه ملاقات های مداومی میان فرستادگان جامعه اقتصادی اروپا با مقامات وزارت خارجه و شخص ولایتی در تهران انجام شده که طی آن جامعه اقتصادی اروپا تعالی خود را برای ایجاد روابط فعال تر باج ۱۰ مورد تأکید قرار داده است و ضمناً از سوی مقامات وزارت خارجه به آنان اطمینان داده شد که ج ۱۰ به قطعنامه های سازمان ملل جهت تحریم عراق وفادار خواهد ماند.

در اینجا لازم است تذکر شویم که از نظر موقع واقعی و نه رسمی، جمهوری اسلامی از حضور موقت و نه دائمی نیروهای آمریکائی در منطقه برای اعمال فشار بر عراق راضی است. زیرا تحکیم موقعیت



## پیرامون تشکیل کمیسیون تحقیق و بررسی مساله ۴ بهمن

پته مرکزی هسته اقلیت  
د رود های انقلابی !

مانگونه که پیش از این نیز بر ضرورت تشکیل کمیسیون مشترک برای بررسی همه جانبه مسائل مربوط به فاجعه ۴ بهمن کید نموده و با مضمون پیشنهاد شما را این زمینه موافقت داشتیم، اینک مکررا لام میداریم که با تشکیل هر کمیسیونی منظور بررسی مسئله ۴ بهمن و از جمله کل پیشنهادی شما موافق هستیم. ز آنجا که کمیته اجرائی نیز با تشکیل این کمیسیون موافق است، لذا پیشنهاد یکم ابتدای نشست مشترکی بمنظور تعیین مقدمات اجرائی آن برگزار گردد. ر صورت موافقت ناربخ و محل پیشنهادی بود را اعلام دارید.

ا د رود مجدد

پته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
اول تیر ماه ۱۳۶۹

رفقای کمیته مرکزی هسته اقلیت  
د رود های انقلابی !

ظر به اینکه روشن شدن مسائل مربوط به

### اشغال کویت و بحرآن خلیج فارس

راق با اشغال کویت به ضرر مستقیم ایران نام میشود و شهید بی دایمی برای ج ۱۰ شمار میرود. لذا جمهوری اسلامی چه لحاظ تحت فشار قرار گرفتن عراق و چه ز نظر تبعات حضور نیروهای آمریکائی خطر جنگ - که در افزایش قیمت نفتست بود را نشان میدهد - منافع مستقیمست ارد. این اشتراک منافع خود عامل مهمی ر افزایش تحرکات دیپلماتیک مارج-ا. و مریالیمت هاست. با اینکه حضور سا حدود نیروهای آمریکائی در خلیج، بدلیل نکه هنوز ج ۱۰ یک حکومت کمال مطلوب تنها نیست، از نظر این رژیم یک خطبسیر اکی محسوب میشود. بهر حال آب شدن خ روابط میان ج ۱۰ و غرب به معنای حمایت بی قید و شرط امپریالیسم از این رژیم نیست. با اینکه اثرات مشخصی از نظر تقویت قطب اختلاف میان باقی خواهد گذاشت و از نظر داخلی به روند تضعیف طیف گسترده خط امامی های "شند رو" سرعت خواهد داد. این طیف له در جریان تحولات مربوط به اشغال کویت تفاوتی مانوری داشته باشد جد بدترین

واقعه چهارم بهمن برای تشکیلات ما و جنبش حاضر اهمیت است، ما موافقت خود را با تشکیل کمیسیونی متشکل از نیرو های طرف اقلیت اعلام میداریم و خواستاریم که هر چه سریعتر یک جلسه مقدماتی بمنظور تشکیل این کمیسیون برگزار گردد. د حیطه وظایف و چگونگی پیشبرد امسر در این نشست معین خواهد شد.

کمیته اجرائی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ( اقلیت ) ۱۳۶۹/۳/۲۲

د ریاسخ کمیته مرکزی هسته اقلیت نیز مجددا بر ضرورت تشکیل کمیسیون تأکید نمود و طی نامه ای به د و سازمان فصول مراتب آمادگی خود را جهت تشکیل کمیسیون و نیز انعقاد جلسه ای مقدماتی جهت بررسی مراتب کار اعلام کرد :

"به کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کمیته اجرائی سازمان چریکهای فدائوسی خلق ایران (اقلیت)

رفقا !

با درود های انقلابی

پیرو نامه سرگشاده مادر باره تشکلی

سربه را در جریان انتخابات مجلس خبرگان متحمل شد. میتوان نتیجه گیری کرد که شرایط ناشی از اشغال کویت و متعاقبا تحکیم و تقویت قطب اختلاف میان د در تهاجم سیاستیک به "تند روان"، نفسی تازه د مید و معنا بر منازعات درونی رژیم افزود. در این میان موقعیت سیاسی جمهوری اسلامی در میان کشورهای عربی دستخوش تغییراتی شده است. بلوک بندی سابق میان ایران و سوریه باپروسه حل مناقشات میان دول ایران و عراق موضوعیت خود را از دست میدهد. کشورهای عربی حوزه خلیج فارس نیز در تضاد با عراق، جمهوری اسلامی را درمی یابند. اجلاس مشترک وزرای خارجه کشورهای شورای همکا ری خلیج فارس ( متشکل از عربستان، قطر، بحرین، کویت، امارات و عمان ) بسا نمایندگان حکومت ایران و تأکید آنها بر گمترین روابط با ج ۱۰. درین راستاست. منافع مشترک آنها منجر به نزدیکی های بیشتری خواهد شد.

د مجموع میتوان ارزیابی کرد که سه تحولات اخیر د خلیج بسود جمهوری اسلامی بوده است و این مسئله نه صرفا

کمیسیون رسیدگی به فاجعه چهارم بهمن ماه مورخ ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۸ و دریافت جوابیه مثبت د و سازمان در نامه های مورخ ۲۳ / ۳ / ۱۳۶۹ و اول تیرماه ۱۳۶۹ مجددا بر ضرورت تشکیل یک کمیسیون مشترک رسیدگی به فاجعه چهارم بهمن ماه تأکید کرده و آمادگی خود را برای برگزاری یک جلسه مقدماتی اعلام مینمایم. کمیته مرکزی هسته اقلیت ۴ شهریورماه ۶۹ در تاریخ ۱۲ بهرمه ۱۳۶۹ جلسه مقدماتی بمنظور تدارک کمیسیون با شرکت نمایندگان سه جریان تشکیل شد و در مورد ضوابط تشکیل کمیسیون، چگونگی کارکرد آن و نیز هدف از تشکیل کمیسیون بحث و بررسی صورت گرفت. معنا از آنجا که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در جلسه حضور نداشت، اکثریت نمایندگان حاضر در جلسه متشکل از هسته اقلیتست و سازمان چریکهای فدائی خلق ایسبران طی نامه ای از این سازمان دعوت نمودند که در کمیسیون شرکت نماید. اما تا تاریخ مقرر هیچ پاسخی از سوی این جریان دریافت نگردید و لذا کمیسیون تحقیق و بررسی مساله ۴ بهمن بدون حضور این سازمان تشکیل خواهد شد. همچنین در جلسه مقدماتی مقرر شد که اسناد بررسی کمیسیون در پایان تحقیقات انتشار غلوسی بهیابند.

در حیطه سیاسی که حیطه اقتصادی را نیز شامل میشود. از معاملات پنهانسی ج ۱۰ با عراق ( که بعلت تحریمها خود منبع سود بسیاری است ) که بگذریم، از محل افزایش قیمت نفت، ج ۱۰ بسسه درآمد های بالائری دست یافت. بجز این بعلت دوری نسبی از مرکز بحرآن در خلیج، امکان فروش و بازاریابی نفت برایش میباشد از سایر کشورهای منطقه است. در این رابطه، آفازاده وزیر نفت در شهریور ماه ابراز داشت: " آخرین قیمت فروش نفت ایران در بازارهای جهانی بشکای ۲۸ دلار است " و اضافه نمود: " کشور ما در حال حاضر امن ترین منطقه برای فروش و تحویل نفت شده و ما میتوانیم د شرایط فعلی ماهانه ۷۰۰ الی ۸۰۰ میلیون دلار نسبت به برنامه های جاری کشور افزایش درآمد های ارزی و ریالی بسیار خسوب است " ( کیهان ۲۴ شهریورماه ) و این در حالیمت که در ماههای بعد از آن قیمت نفت افزایش بیشتری داشته است. البته با پائین آمدن قیمت دلار و اثر مستقیم

ی بر نقد ، نقدی بر " برنامه "

له شوروی حاصل شده است و هم بدلیل  
لاتی که در بلوک شرق بوقوع  
ته است ، می توان گفت که مقالات اولیه  
ن مباحثات که مستقیماً نقد مواضع  
ساله مندرج در "بولتن ۸" را مد نظر  
ته است ، بلحاظ سیاسی فاقد اهمیت  
سی و بلحاظ تئوریک دارای نارسائی ها  
قضاتی است . لذا مفید خواهد بود  
از ارائه تزهائیل مقدماتی در باره مفهوم  
مالیسم و مسائل شوروی ، در این نوشتار  
نیرج علل نارسائی ها پرداخته  
و توضیح داده شود که مباحثات  
مان چگونه و در کدامین چارچوب  
آغاز شد و چه روالی را طی نمود که  
به بی اعتباری آن بخش از برنامه ای منجر  
که کار نقد را در چارچوب آن آغاز کرده  
م . همچنین این بازنگری مختصرشناخت  
فکری که طی شده است ، بدین منظور  
ی است که تزهائی جمع بندی شده  
مباحثات حتی المقدور و به نسبتی که  
ن فکری مان اجازه می دهد بتوانند  
ارسائی ها و محدودیت های اولیه  
ز رسوبات بخشی از برنامه که اکنون  
نم بکن اعلام شده است ، بدور بماند . این  
گری را از مباحثات اولیه مان ، یعنی  
نظ شروع روند تحولات فکری مان ، آغاز  
نیم .

نتشار "بولتن مباحثاتی شماره ۸" تنها  
، تئوریک اختلافات وقت درون سازمان  
ف.خ. ۱ . حول مفهوم متحد بین پرولتاریا  
عرسه جهانی بشمار میرفت . در آن زمان  
اولیه ما این بود که درک انحرافی  
گرایش مندرج در "بولتن ۸" در باب  
ناسیونالیسم پرولتاری و متحد بین پرولتاریا  
عرسه جهانی را نشان داده و در همین  
، مدلل کنیم که مواضع این دو گرایش  
نلاف ادعای حاملین اش ، بیانگر دو خط  
، متمایز نبوده بلکه موید دو گرایش  
لف درون یک چارچوب برنامه ایست .  
اعلام این باور که " در چارچوب گسترده  
یقین شده مواضع جهانی "اقلیت الزام  
د گرایشات و اختلافاتی در این حیطه  
، طبیعی است" خود را نیز بمثابة  
شی محین و متمایز از دو گرایش دیگر  
بی در چارچوب عمومی برنامه موجود  
ان تعریف نمودیم . این ارزیابی ، که  
ن مبتنی بر مواضع و باورهای آن زمان  
، بطور محسوسی محدود و " نقد را مقید  
مود . چرا که ملاک های نقد ، در ابتدا  
لور عمده ، از همان چارچوب گسترده

و تدقیق نشده مواضع جهانی "اقلیت"  
استخراج و برگرفته شد . در حقیقت  
در آغاز پرسه نقد ، بطور سنتی با حفظ  
اساسی ترین مضامین برنامه موجود تلاش  
بر آن بود که نشان داده شود چسرا  
مواضع دو گرایش دیگر حتی با ملاکهای  
بر گرفته شده از همان برنامه انحرافی  
است . هر چند حتی در همان آغاز پرسه  
نقد تا حدودی از آن چارچوب برنامه ای  
نیز فاصله گرفته شد . اما این فاصله گیری  
هنوز با درهم شکسته شدن چارچوب عمومی  
برنامه خود فاصله داشت (از این پس در این  
نوشتار هر کجا که از برنامه سخن بمان  
می آید منظور بخش مواضع جهانی برنامه  
است ) .

در این چارچوب مفروض ، از یکطرف نقد  
ما بر جریان کمیته خارج اساساً متوجه  
متد ولوژی انحرافی این جریان در تبیین  
مسائل انقلاب ، انترناسیونالیسم پرولتاری  
و متحد بین پرولتاریا در عرصه جهانی بود  
و از طرف دیگر نشان دادن انحراف بر است  
توکل در رابطه با سیاست خارجی شوروی  
که در " بولتن مباحثات شماره ۸" نمودی  
باز یافته بود . در نقد اول ، تأکید بر این  
موضوع بود که جریان کمیته خارج از انقلاب  
و انترناسیونالیسم پرولتاری درکی ناقص  
و ابرونه و قیما بانه ارائه می دهد ، انقلاب  
را توسط عوامل و نیروی محرکه در روشنی اش  
توضیح نمی دهد و در این مورد عوامل مؤثر  
( خارج از بافت جامعه را ) بجای عوامل  
و نیروی محرکه درونی تحولات و انقلاب  
می نشاند . بر چنین مبنایی است که مفهوم  
انترناسیونالیسم پرولتاری نیز ابرونه می شود  
و خلقت قیم مآبانه می یابد . و لذا متد ولوژی  
جریان کمیته خارج در تبیین انقلاب و انتر-  
ناسیونالیسم پرولتاری با متد ولوژی حزب  
تود در مضمون یکسان میشود . نقطه آغاز  
و متد ولوژی هر دو جریان یکی می شود ، هر  
چند دو نتیجه گیری متفاوت از آن استخراج  
شود و آن این است که " اردوگاه سوسیال-  
لیسم نیروی تعیین کننده تحولات در سطح  
جهانی است" . در انتقاد نسبت به جنبش  
پیش و متد ولوژی بود که آنگاه مطرح کردیم :  
" مفهوم انترناسیونالیسم پرولتاری مبنی رابطه  
جهانی در مبارزه پرولتاریا است . بنیان  
وحدت منافع کارگران سراسر جهان بمثابة  
مجموعه گردانهای بهم پیوسته پرولتاری است  
که بر علیه سرمایه داری جهانی ، بر علیه  
ارد وی سرمایه مضمون واحدی را در مبارزه  
انقلابی شان دنبال می کنند" . بر این مبنا  
اساساً ، نقد دیگر ما بر جریان کمیته خارج  
این بود که نشان دهیم این جریان متحدین  
پرولتاریا در عرصه جهانی را بر مبنای ماتر-

یالیسم تاریخی ، نقش و رسالت هر متحد  
در تحولات انقلاب جهانی و ماهیت مبارزه-  
اش علیه امپریالیسم و ارتجاع و کلا سرمایه  
ارزیابی نمی کند بلکه متحد را به شیوه  
" ماتریالیسم پراگماتیستی" مشخص می کند .  
در این نقد مشخص بر مواضع جریان  
کمیته خارج ، تا آنجا که بحث متد ولوژی  
و بررسی مفهوم عام انترناسیونالیسم پرولتاری  
مد نظر بوده است ، نقد انجام شده از اعتبار  
برخوردار است . بعلاوه ، در چارچوب برنامه  
مشترک موجود آن زمان ، یعنی برنامه ای که  
مورد پذیرش این جریان و مانیژبونه است ،  
موارد مشخص نقد که بر پایه " وجود سه  
جریان واحد انقلاب جهانی یعنی اردوگاه  
سوسیالیسم ، پرولتاریای کشورهای سرمایه داری  
و جنبش های رهایی بخش" توضیح داده می-  
شود نیز معتبر است . لذا اعتبار این بخش  
از نقد وابسته به اعتبار برنامه و ملاک  
های ملهم از آن است . از همین رو است  
که این نقد مشخص که در چارچوب آن برنامه  
معتبر است ، اما ، خود ، بی نسخه از یکسو  
حاوی نارسائی های درونی است و از سوی  
دیگر دارای تفاوتها و تناقضاتی با نوشته های  
بعدی این سلسله مقالات . این نارسائی ها  
و تفاوتها ، خود ، دلالت بر نواقص ذاتی  
ملاکهای اولیه نقد دارد که از برنامه  
استخراج شده بود ، به عبارت دیگر دلالت  
بر بی اعتباری برنامه و وقت دارد . به این  
موضوع جلوتر اشاره خواهد شد .  
نقد بعدی که بر رساله " دوم بولتن ۸"  
بنام " مدافعین تراجعی سوسیال-  
امپریالیسم ، " . انجام شد نیز در ابتدا  
در چارچوب برنامه وقت محصور ماند ، به  
این معنا که در آغاز ما بمثابة یک گرایش  
انتقادی ، اما هنوز در یک چارچوب معین ،  
مضمون گرایش بر است این رساله را مورد  
نقد قرار دادیم . موضوع مورد مشا جره عبارت  
بود از سیاست خارجی شوروی . نویسنده  
رساله فوق مدعی شده بود که وزن مخصوص  
عنصر پرولتاری در سیاست خارجی شوروی  
نسبت به دوران خروشچف افزایش یافته است ،  
وی مدعی بود که " چه کسی می تواند انکار  
کند این همکاری و پشتیبانی ( شوروی از  
جنبش های رهایی بخش) امروز نسبت به  
دوران خروشچف افزایش یافته است ؟ چه  
کسی جز یک کمونیست ستیزی می تواند این  
همه را انکار کند" . این موضع حتی با ملاک  
های برنامه ای وقت نیز انحراف بر است  
محسوب میشود . چرا که این موضع که بیانگر  
جوهر آن رساله بود و بانگ اش بر این  
مبنا تنظیم یافته بود حتی با ملاکهای برنا-  
مغای وقت انحراف بر است محسوب میشود ؟

نقد  
و  
مد  
تد  
په  
از  
دو  
دان  
اسا  
وت  
پیش  
س  
به  
شود  
اول  
فکر  
ملا  
شد  
بود  
رونا  
غیر  
از  
شم  
از  
می  
بیا  
چ  
در  
ملا  
دو  
انت  
در  
حا  
بر  
مش  
مد  
ما  
وت  
وج  
امر  
گرا  
منت  
آز  
خو  
بود  
می  
و

نقدی بر نقد و تقدی بر "برنامه"

چون در برنامه وقت( صرفنظر از تناقضات و نارسائی‌هایش) حداقل بر این موضوع تأکید شده بود که "خط انقلابی مارکسیستی - لنینیستی که ما یکی از پیگیرترین مدافعین آن هستیم . . . با "خروشچیفیسم" و تمامی انحرافات مصوبه‌های کنگره‌های ۲۰ و ۲۱ حزب کمونیست اتحاد شوروی ( گذار مسالمت آمیزه تراز رشد غیر سرمایه داری غیر لنینیستی، سحوری قرار دادن مقوله صلح بجای جنگ انقلابی در عصر کنونی، رقابت اقتصادی و . . . ) میزبندی قاطع دارد .

بنا بر این در نقد دیدگاهی که مدعی بود از دامنه "انحرافات روزیونیستی" سیاست خارجی شوروی کاسته شده است. آنهم زمانی که پرسترویکا به سیاست غالب حزب( و دولت ) شوروی تبدیل شده بود . . . پرسه" نقد از الفبا" و از حداقل مفروضات برسمیت شناخته شده مشترک ( موازین برنامه‌ای ) آغاز شد . لذا مقدمات در این چارچوب اولاً می‌بایست جوهر سیاسیست روزیونیستی در عرصه سیاست خارجی روشن شود و ثانیاً مدلل گردد که دامنه و عین انحرافات روزیونیستی نسبت به دوران خروشچف نه تنها کمتر نشده بلکه گسترده تر و عمیق تر گشته است. در این نقد مشخص و محدود ، در مقابل نظری که یکسره وظیفه تطهیر انحرافات روزیونیستی و نقض آشکار انترناسیونالیسم پرولتری را بر عهد گرفته بود متذکر شدیم که اساساً انحرافات روزیونیستی شامل مجموعه مواردی است که در یک هماهنگی کامل یکدیگر برس برده و اجزا" ارگانیک یک سیاست واحد اند . بدین طریق است که سیاست صلح ، همزیستی مسالمت‌آمیز ، گذار مسالمت آمیز ، رقابت اقتصادی ، راه رشد غیر سرمایه داری و . . . مجموعاً دارای یک معنای واحدند . هر یک اجزائی از یک سیاست واحدند . این یگانگی از آنجا ناشی می‌شود که پیشی واحد کلیت سیاست خارجی را رقم می‌زند : پیشی اکتونومیستی ستون فقرات انحرافات روزیونیستی است . بر این اساس در نقد نوشتمسته "مدافعین تز ارتجاعی . . . یادآور شدیم هر بررسی که همبستگی عناصر تشکیل دهنده انحرافات روزیونیستی و ستون فقرات آنرا سکوت بگذارد هم از شناساندن ریشه ها و مضمون این انحرافات طغرفه رفته است و هم از شیوه" تأثیر گذاری و نتایج حاصل از آن . و سپس بر مبنای این بررسی و شناخت جوهره" انحرافات روزیونیستی مدلل

ساختیم که نه تنها ادعای کاسته شدن از دامنه" انحرافات روزیونیستی حرفی بیوج و بی معنا است، بلکه دامنه و عین انحرافات گسترده تر و ژرف تر گردیده و تبلیغ علنی "سازش طبقاتی" در عرصه"جهانی سیاست رسمی حزب شده است . آنچه که در فوق به اختصار یادآوری شد ( همچون مورد نقد جریان کمیته خارج ) بعنوان نقد یک گرایش انتقادی بر مواضع گرایش دیکر در یک چارچوب برنامه‌ای ، برای نقد "بولتن مباحثات شماره ۸" کافی بود و عملاً حیطه نقد آن بولتن به همین جا نیز خاتمه یافته بود . در عین حال ، از همان ابتدا ، بمنظور ارائه نقطه نظرات اثباتی و مسووت تر خود موارد و مفاهیمی به پیش کشیده شد که پیش از آنکه نقد مواضع و گرایش دیکر را مستقیماً آماج قرار دهد ، در راستای نقد برنامه‌ای که ما نیز خود را گرایشسی در چارچوب آن می‌شناختیم و تحریک می‌کردیم قرار داشت . بعبارت دیگر بطور سنتی و بمثابه امری از پیش فرض شده کار نقد در چارچوب برنامه وقت آغاز شد ، با حفظ اصلی ترین مفروضات اش حداقل در هیئت شگلی آن . اما این نقد با مفروضات و مفاهیم درونی خاص خود که در مضمون مفاهیم مفروضات برنامه بود نمیتوانست در چارچوب همان برنامه باقی بماند . لذا ما محصل تد اوم نقد درهم شکسته شدن چارچوب برنامه ، یعنی بی اعتباری آن ، بود . این است علت آن تناقضاتی که کم و بیش مغالطه و اغراق در آن مقالات متأخر متناهی می‌کند و این است علت آن نارسائی‌ها و استنادهای نابجا از برخی مفاهیم که با برنامه وقت همخوان لیکن با مضمون نقد ما ناخوانا است . همانگونه که گفته شد نقد "بولتن مباحثات شماره ۸" صرفاً به نقد مواضع مندرج در این بولتن محدود نبود . با ارائه نقطه نظراتی طاهر و در مواردی فراتر از حدود برنامه وقت ، در حقیقت نقد بر بولتن به نقد بر مواضع تاکتونی "اقلیت" ( که خود را نیز یکی از گرایشات درونی آن می‌دانستیم ) تبدیل شد . در آغاز کار ، ارائه نقطه نظراتی هر چند هنوز ناپخته که اما بسا سنت برنامه‌ای و نقد "اقلیت" مناقات داسشت ، عملاً خلل‌هایی در برنامه ایجاد نمود ، در حقیقت مضمون کلیت این نقطه نظرات با برنامه وقت در تضاد قرار داشت و خود راهگشای نقد باورهای دیرپایمان بود ، در تد اوم همین نقد اولیه ، بمنظور ارائه نقطه نظرات اثباتی مان بود که اما تدقیق و بسط این نقطه نظرات ( و تکمیل نسبی آن ) به فرورختن کامل برنامه گذشته منجر شد . ضروری است بر

این موضوع کمی مکت شود و مواردی نمونه‌وار از این پرسه درم فروریزی برنامه ذکر شود .

در سنت نقد "اقلیت" بر "انحرافات روزیونیستی" دولت و حزب شوروی ، اولاً ، اگر چه بر مواردی از انحرافات در عرصه"سیاست خارجی تأکید می‌شد ( بر این یکی از ملاکهای تعیین مرز ما بین جریان اقلیت با جریانهای اپورتونیست راست بود ) اما جوهر این انحرافات - در وجه غالب - سکوت گذارده می‌شد ، ثانیاً ، ایضا ، در وجه غالب ، رابطه ما بین سیاست خارجی و سیاست داخلی نادیده انگاشته می‌شد و بررسی تأسیس انحرافات روزیونیستی ( و این مفهوم حتی با همان معیارهای وقت ) بر سیاست داخلی محلی از اعراب نمی‌یافت . همین سنت نقد خود را در برنامه "اقلیت" نیز بازتاب داده است . بطوریکه در آن بخشی از برنامه که به "انحرافات مصوبه‌های کنگره‌های ۲۰ و ۲۱ حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی" اشاره دارد ( و ایمن بخشی تنها بختی میزبندی برنامه بسا انحرافات حزب کمونیست شوروی است ) اساساً از مقوله‌های مربوط به عرصه" بین‌المللی ( اصطلاحاً سیاست خارجی ) نام برده شده است همانند گذار مسالمت آمیز ، تراز رشد غیر سرمایه داری و رقابت اقتصادی و . . . بی‌آنکه وحدت و جوهر واحد این موارد انحرافی مطرح شود و بی آنکه رابطه ما بین تمامی این مقوله‌ها با سیاست داخلی توضیح داده شود .

وقتی که در نقد نوشته "بولتن ۸" عنوان شد که "کدام سیاست داخلی است که نقض انترناسیونالیسم پرولتری را ایجاب می‌کند ؟ چرا و بر کدام زمینه مادی چنین سیاست داخلی اتخاذ می‌گردد که ادامه و بازتاب خود را در مناسبات بین‌المللی و سیاست خارجی نیز بروز می‌دهد ؟" این سؤال صرفاً به مواضع مندرج در "بولتن ۸" باز نمی‌گشت بلکه همچنین در ارتباط با موازین برنامه نیز بود . نکرش بر "انحرافات" از این دیدگاه با نکرش برنامه نمی‌توانست در ارتباطی کامل باشد . این نکرش موه"میست آن بود که سیاست خارجی از سیاست داخلی نشأت می‌گیرد ( با حفظ استقلال نسبی ) . و اگر که موارد "انحرافات رویزیونیستی" در عرصه سیاست خارجی یک کلیت واحد است ، یک مجموعه" ارگانیک است که دارای جوهر واحدی مبتنی بر پیشی اکتونومیستی است ، می‌باید که سیاست داخلی را نیز با همین پیشی توضیح داد ( در همین جا اشاره کنیم و تقسیمی

را کافی بصورت یک مجموعه ارگانیک عمل کند، همه جانبه است و دارای جوهری است و ما می‌بایست نه از "انحرافات یونیستی" بلکه از رویزیونیم سخن گفتیم - . بهر حال، جوهر سیاست رچی نمی‌تواند در اساس - و بویژه در یک "طولانی مدت - معایر با سیاست ملی باشد - بلکه بر عکس، جوهر سیاست رچی خود منبعث از جوهر سیاست ملی است، سیاست داخلی سنگ بنای ست خارجی است. اما ظرفیت و بافت مه وقت برای تشریح انحرافات از این نگاه ناکافی و ناخوان بود - برنامه "هیچ تلاکی برای تشریح سیاست ملی ارائه نمی‌داد، چرا که اساساً برنامه از زاویه‌های دیگر و طرز تفکری که یافته شده بود - در عین حال باهدفی که در آغاز کار، تارسانی و ناکفایتی امه برای ما هنوز بمعنای بی‌اعتباری ت برنامه و چارچوب صومبی آن نبود. بر اولیه مان این بود که با تدقیق سطح مفاهیم و افزایش ظرفیت برنامه آن جایگیری دید گاهمان در چارچوب می برنامه وقت میسر است. از همین نیز مفاهیم صومبی و شکل کلی برنامه چنان تا مدتی در نقد حفظ شد و حقیقت خود را اگر چه نه چندان بر بون لیکن بر شکل نقد تحمل کرد. تنها پروسه دست باسی (نمی) به صوم سوسیالیسم، دوران گذار، ... برای ریح سیاست داخلی بود که آنگاه ساله سازی و ناکفایتی برنامه دیگر نمی‌توانست بیخ دهند، محدودیت های ما در نقد ه باشد، بلکه بر اساس بی‌اعتباری جوهر آسی برنامه و لذا باورهای که کار نقد با آن آغاز نمودیم محدودیت های نقد می‌تواند توضیح دهد.

در ارتباط با فقدان شمایی از سیاست ملی و تلاکی برای تحلیل آن، فقدان افی و تحلیلی از پیشینه انحرافات نیز برنامه وجود داشت. در برنامه، وقت، برافات حزب کمونیست شوروی - سوسیالیسم "پاسخ داده می‌شود و صوم - کنگره‌های ۲۲ و ۲۳ آغازگاه انحرافات رچی می‌شود. وقتی رساله "مدافین نیز جایی ... مندرج در "بولتن ۸" بنا همین دلیل، یعنی معرفی مصویبات برافنی "کنگره‌های ۲۲ و ۲۳ بعنوان آغازگاه

و تمامیت انحرافات حاکم بر حزب کمونیست شوروی، مورد نقد قرار گرفت، در حقیقت این خود آغازگاه نقد برنامه نیز بود، هر چند در ابتدا هنوز به نیت تدقیق و افزایش ظرفیت تحلیلی برنامه. در نقد رساله فوق متذکر شدیم که در آن "هیچ اشاره‌ای به پیشینه انحرافات و چگونگی حاکم گشتن آن بر حزب کمونیست شوروی به چشم نمی‌خورد، آنچه که می‌ماند، کودنای خرو - شجف است". و در نقد این نگرش اضافه نمودیم: شناخت علمی یک پدیده حکم می‌کند که نسبت به پروسه تکوین آن پدیده شناخت حاصل شود. شناخت علمی از سلطه گرایشها ت رویزیونستی (و اضافه کنیم تکامل آن به رویزیونیم) با تبیین های کودتسا و ارانه در تناقض است. در واقع عناصر تشکیل دهنده مجموعه انحرافات رویزیونستی در ساختار سوسیالیسم (بعینی طی پروسه دوران گذار) نشو و نما کرد، متر اکم شد و طی یک پروسه آنچنان زمینیه مادی را فراهم نمود که مجموعه ارگانیکی از انحرافات رویزیونستی در کنگره ۲۰ بعنوان خط مشی رسمی به تصویب رسید. این روند چه شباهتی به یک کودتسا داشته است؟ تحلیل کودتسا گرانگهت مجموعه انحرافات رویزیونستی (و بحیثیت دیکتر رویزیونیم) که عناصر رشد یافته آنرا در درون "ساختار سوسیالیسم" جستجو نمی‌کند نه طئی برای این مجموعه انحرافات می‌تواند ذکر نماید و نسه از تعمیق این انحرافات پس از کنگره ۲۰ تحلیل روشنی ارائه دهد. و سپس ماهیت عناصر متراکم شده این انحرافات قبل از کنگره ۲۰ را آگونو میستی - ناسیونالیستی - بوروکراتیک معرفی نمودیم.

در ادامه نقد ما این متدولوژی در تبیین مساله شوروی بیشتر مورد توجه قرار گرفت. با این وجود، در این رابطه نقد و نگرش ارائه شده در سلسله مقالات همچنان با تارسانی‌ها و کمبودهای فاحشی مواجهه بوده است. چرا که بویژه در آغاز روند نقد سنتا بمثابه یکی از گرایشها "قلیت" بنا فقدان دانش کافی در رابطه با آنچه که در شوروی گذشته بود، با باورهای دیروز (پد برش چارچوب برنامه اگر چه بمثابه گرایش انتقادی) و با رسوبات احتمالی امروز باقی مانده از باورهای دیروز، امکان نقد و نگرش رسا و همه جانبه در باره

موضوع مورد بحث را با دستوروی، مواج می‌نمود. و لذا این عرصه است پیشارویمان.

فقدان تحلیلی از سیاست داخلی جوهر انحرافات و پیشینه‌ها پیش در برنامه، وقت انتقادی و سهل انگارانه نبوده است. در حقیقت بافت و جوهر برنامه بگونه‌ای تنظیم یافته بود که وارد نمودن موارد فاسق در آن (بصورت واقعی) امکان ناپذیر بود و همین جهت نیز فقدان مقوله‌های فوق را نمی‌توان کمبودهای آن برنامه ارزیابی نمود و لذا در صدد ترمیم آن برآمد از همین رو نیز نیت اولیه ما در مورد تدقیق بسط و تکامل برنامه، یعنی ترمیم آن، نتوانست تحقق یابد و عملاً این چارچوب وجود برنامه بود که به زیر سؤال رفت. چرا که فقدان موارد فوقاً ذکر شده (و موارد مشابه) در برنامه خود مبتنی بر پیش فرضها و یا دیکتر احکامی است که برنامه بر بنیاد آن بنا شده است. این پیش فرضها (احکام) است که جوهر و بافت برنامه را تعیین کرده است. و تخطی از آن با مفهوم نفی جوهر برنامه، نفی ستون فقرات آن، محسوب می‌شود. اساسی‌ترین پیش فرضهای که برنامه بر بنیاد آن قرار دارد عبارت اند از: استقرار سوسیالیسم در شوروی، استقرار سوسیالیسم در یک کشور، وجود دولت پرولتری و هستی ارد نگاه سوسیالیستی. این پیش فرضها (احکام) جوهر برنامه را شکل می‌دهند. هر چند متیوار بر شمار این احکام افزود، لیکن این فقدان برای تبیین جوهر برنامه کافی است. برنامه بر این بنیاد استوار است که در دهسه ۳۰ سوسیالیسم در جامعه شوروی امری تحقق یافته (مستقر شده) است. این تبیین خود مبتنی است بر اعلام حزب کمونیست شوروی در آرزمان یعنی بر استقرار سوسیالیسم بمثابه شیوه تولید مسلد و تبعاتی که از آن نتیجه‌گیری می‌شود همچون نابودی طبقات و اختتام مبارزه طبقاتی، عملاً اعلام استقرار سوسیالیسم مبتنی بود بر تئوری امکان استقرار سوسیالیسم در یک کشور. اعلام استقرار سوسیالیسم در واقع تحقق این امکان در جامعه شوروی شمرده می‌شد. به موازات این احکام، سلطه پرولتاریا در اداره تولید و سیاست یعنی وجود دولت پرولتری نیز بمثابه

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

ندی بر نقد، نقدی بر "برنامه"

ش فرضی واجب و خلل ناپذیر از جمله...  
 بهیات بود. و بالاخره وجود بی چون  
 چرای اردوگاه سوسیالیستی در تسد وام  
 طی همین پیش فرضها و در تکمیل  
 است. توضیحا اینکه حکم بر وجود  
 د وگاه سوسیالیستی بیش از هر عاملی  
 ود متکی بود بر پیش فرض استقرار سوسیا -  
 سم در جامعه شوروی. این پیش فرضها  
 بت که جوهر و هستی برنامه رازم میزند.  
 در پرده نقد، در پرده دستبازی  
 ملاکهای منظور تبیین ساختار سوسیا -  
 لیسیم در شوروی بود که آنگاه ملاکها  
 مفاهیم حاصله و اطمینات ساختمان  
 سوسیالیسم در شوروی با پیش فرضهای  
 نام در شمارش اشتی ناپذیر بر قرار گرفت.  
 بوم سوسیالیسم (شامل مضامین واقعی  
 یکتاتوری پرولتاریا، مالکیت اجتماعی  
 برنامه) با ملاکها و مفاهیم برگرفته از بورژوازی  
 ای د بیروز (و برنامه) وقت نا همخوان  
 کار درآمد. مقوله دوران گذار و مضامین  
 رونی آن از جمله مقوله "ساختارهای  
 آری و امتزاجی با تمامی اجزا" مشخصه  
 اینست که در حد توان موجود به تفصیل  
 رد بحث قرار گرفت - جایگزین تئوروی  
 بقرار سوسیالیسم شد. بررسی و اطمینات  
 معه شوروی با ملاکهای نظیر سازمان  
 شاعی کار، مقوله ارزش و برنامه، نقش  
 قات و انتشار اجتماعی در اداره و کنترل  
 ید و جایگاهشان در سازمان اجتماعی  
 و... نیز بطور مشخص بر استقرار  
 سوسیالیسم در جامعه شوروی خط بطلان  
 ید. امکان تحول ساختارهای گذار  
 و امتزاجی به سوسیالیسم استقرار یافته  
 (احیا) سرمایه داری که تحقق حالت  
 - استقرار سوسیالیسم در ارتباط با  
 لایات جهانی پرولتاریا (سوسیالیستی)  
 ر داده شد، نهی تئوروی استقرار سوسیا -  
 لیسیم در یک کشور بود که خود یکسری  
 پیش فرضهای برنامه محسوب می شد.  
 رفی دولت شوروی بعنوان دولت  
 یوکراتها و تکنوکراتها (که اکنون بطور  
 خص به دولت بورژوازی بمعنای اخص  
 ه تکامل یافته است) با پیش فرض وجود  
 لیت پرولتری در تعارض آشکار بود.  
 حالیکه برنامه پیش فرض اداره و کنترل  
 ید و سیاست توسط طبقه کارگر شوروی  
 ت، در تبیین ارائه شده، گروه اجتماعی  
 کم، گروه مشخصی از مدبران (تکنوکراتها  
 یوکراتها) بمثابه یک فئرا اجتماعی یک گروه

اجتماعی مشخص، متناوب متناوب از طبقه کارگر -  
 معرفی میشود که اداره و کنترل تولید و سیاست  
 را در اختیار داشته است. همچنین  
 است در رابطه با پیش فرض وجود "اردوگاه  
 سوسیالیستی". هر چند تحلیل شخصی  
 از مفهوم "اردوگاه" ارائه نشد اما با توجه  
 به مفاهیم و مضامین فوق و تعمیم سخنان،  
 با توجه به اینکه با هر تبیینی "جامعه"  
 سوسیالیستی شوروی "ستون فقرات" اردوگاه  
 سوسیالیستی محسوب می شد، و نیز  
 شعاعی مختصر که مستقلا در این رابطه  
 ترسیم شد - زمینه، راستا و نتایج تحولات  
 در ارضای شرقی - این پیش فرض برنامه ای  
 نیز بی اعتبار گردید.  
 بدین گونه است، همچنین، بی اعتباری  
 و از دور تاریخ خارج شدن فرمولبندی  
 برنامه در رابطه با "سه جز" لایتجزا و  
 و تفکیک ناپذیر روند انقلاب جهانی سوسیا -  
 لیسیم "شامل جنبشهای رهائی  
 بخش، اردوگاه سوسیالیسم و طبقه کارگر  
 کشورهای امپریالیستی. زمانی، بحثی  
 کاذب در رابطه با تقدم و تاخر این اجزا  
 جریان داشت، بحث از این زاویه اساسا  
 مطرح نیست. بحث بر سر حذف یک جز  
 و یا مشروط نمودن اش نیز نیست. بحث  
 بر سر این است که این فرمولبندی اساسا  
 بیان مقوله "انقلاب جهانی سوسیالیستی"  
 نیست. نه فقط مقوله "اردوگاه سوسیالیسم"  
 بنحوی که قبلا ذکر شد. مقوله ای بی  
 بی اعتبار بوده است، بلکه همچنین جنبش  
 های رهائی بخش در مفهوم امپریالیست  
 (جنبشهای ضد استعماری) متعلق  
 به تاریخ سپری شده است و با هر تفسیر  
 جدیدی از اجزا و لایات پرولتاریائی نیز  
 "جز" لایتجزا و لایتفکد انقلاب جهانی  
 سوسیالیستی "بشمار نمی رود، تا آنجا که  
 سوسیا - لیسیم "انقلاب جهانی سوسیالیستی"  
 مد نظر است، مقوله تضاد کار و سرمایه در  
 عرصه جهانی توضیح دهنده اش است  
 و لذا در مبارزه طبقاتی  
 ما بین نیروهای اجتماعی این تضاد، یعنی  
 پرولتاریای جهانی و بورژوازی جهانی است  
 که حفظ و تد او سرمایه داری (نه بلحاظ  
 تاریخی) و یا "انقلاب جهانی سوسیا -  
 لیسیم" را رقم می زند. و البته این مفهوم  
 با برداشت های سطحی انگارانه از انقلاب  
 جهانی که هر انقلاب مشخص را موکل به  
 "گرفتن انقلاب در جایی دیگر می کند و این  
 تفسیر را بدست می دهد که گویا انقلاب  
 جهانی بمعنای همزمانی انقلابات است  
 و نه یک دوره تاریخی از انقلابات مشابهتی  
 ندارد. همچنین مفهوم "انقلاب جهانی سوسیا -  
 لیسیم" را نیز در حد توان موجود به تفصیل  
 رد بحث قرار گرفت - جایگزین تئوروی  
 بقرار سوسیالیسم شد. بررسی و اطمینات  
 معه شوروی با ملاکهای نظیر سازمان  
 شاعی کار، مقوله ارزش و برنامه، نقش  
 قات و انتشار اجتماعی در اداره و کنترل  
 ید و جایگاهشان در سازمان اجتماعی  
 و... نیز بطور مشخص بر استقرار  
 سوسیالیسم در جامعه شوروی خط بطلان  
 ید. امکان تحول ساختارهای گذار  
 و امتزاجی به سوسیالیسم استقرار یافته  
 (احیا) سرمایه داری که تحقق حالت  
 - استقرار سوسیالیسم در ارتباط با  
 لایات جهانی پرولتاریا (سوسیالیستی)  
 ر داده شد، نهی تئوروی استقرار سوسیا -  
 لیسیم در یک کشور بود که خود یکسری  
 پیش فرضهای برنامه محسوب می شد.  
 رفی دولت شوروی بعنوان دولت  
 یوکراتها و تکنوکراتها (که اکنون بطور  
 خص به دولت بورژوازی بمعنای اخص  
 ه تکامل یافته است) با پیش فرض وجود  
 لیت پرولتری در تعارض آشکار بود.  
 حالیکه برنامه پیش فرض اداره و کنترل  
 ید و سیاست توسط طبقه کارگر شوروی  
 ت، در تبیین ارائه شده، گروه اجتماعی  
 کم، گروه مشخصی از مدبران (تکنوکراتها  
 یوکراتها) بمثابه یک فئرا اجتماعی یک گروه

سوسیالیستی" با این برداشت که امکان  
 ناپذیری استقرار سوسیالیسم در یک  
 کشور را مترادف می شمارد با نفی انقلاب  
 سوسیالیستی در یک کشور (با چند کشور)  
 و قرار گرفتن در پرده "دوران گذار سوسیا -  
 لیسیم"، مشابهتی ندارد. به علاوه  
 مرزهای طی جداگر سوسیالیسم و کاپیتالیسم  
 در عرصه جهانی نیست و لذا توضیح  
 دهنده مقوله "انقلاب جهانی سوسیا -  
 لیسیم" نمی باشد. برپایه دیوار...  
 همان دیوار برلین - بیانگر مرز ما بین  
 سوسیالیسم و کاپیتالیسم نبوده (حتی اگر  
 که فرضا دولتی کاریگری در یکطرف دیوار  
 مستقر باشد) بلکه بیانگر دیدگاهی متافیزیکی  
 یکی و مکانیکی نسبت به سوسیالیسم است.  
 این نوع مرزبندی سوسیالیسم و کاپیتالیسم  
 در عرصه جهانی (که با وجود مبنای  
 "اردوگاه سوسیالیسم" و "اردوگاه امپریالیسم"  
 توضیح داده می شد و مرزهای جغرافیائی  
 نامشکرمز ما بین این دو "سیستم" جهانی  
 محسوب می شد) خود مبیحت از تئوروی  
 "استقرار سوسیالیسم در یک کشور" است  
 (و یا محدودی از کشورها که اما تحت  
 محاصره سرمایه داری کاملا غالب است)  
 بهر حال، اینکه مقوله "انقلاب جهانی سوسیا -  
 لیسیم" بطور مشخص و مبسوط چگونگی  
 درک شود و چگونه فرمولبندی شود موقوعی  
 است قابل بحث. اما اینکه بی اعتباری  
 پیش فرضهای اساسی برنامه (و این  
 مقوله) به بی اعتباری فرمولبندی "سه  
 جز" لایتجزا و تفکیک ناپذیر روند انقلاب  
 جهانی "منجر می شود، خود راستی است  
 تحول نگرش ما در رابطه با این مقوله  
 را نیز در تقابل با ملاکهای اساسی برنامه  
 وقت قرار می دهد.  
 پس بطور خلاصه، نقد "بولتن مباحثات  
 شماره ۸" به نقد برنامه وقت منجر شد.  
 مجموعه نقطه نظرات کسب شده با بافت  
 و جوهر برنامه که خود مبتنی بر پیش فرضهای  
 فرضها و احکام مشخصی بود دیگر قرابتی  
 نداشت. زاویه نگرش مان نسبت به سوسیا -  
 لیسیم و مساله شوروی با زاویه نگرشی که  
 برنامه بر آن مبنا تنظیم یافته بود، مشابهت  
 نداشت. این دو نگرش از یک جوهر نبودند.  
 لذا ملاکها و نقطه نظرات جدید دیگر  
 بگونه ای نبود که دست کاری برنامه وقت  
 (تدقیق، بسط، افزایش ظرفیت و...)  
 بتوان آنها را در چارچوب اش جای داد. بدین  
 من ترتیب چارچوب برنامه در هم شکسته  
 شد، برنامه فسخ گردید.

در باره سیاست نشریه سوسیالیسم  
و برنامه ارگان تحریریه

وضعیت معیشتی کارگران (ومساله) دستمزدها، بررسی تاریخی از موقعیت و مبارزات طبقه کارگر، بررسی وضعیت معنی (تعداد، تراکم و تمرکز، تقسیم بندی د رونی بر اساس شاخه های صنعتی و...) و وضعیت ذهنی.

۴- بنا بر روزه های تاریخی با اهمیت مقالاتی می تواند تنظیم شود که ضمن بزرگداشت آن روز مشخص به یکی از مسائل مهم نیز پاسخگو باشد. از جمله مهمترین این روزها عبارتند از: ۱۱ اردیبهشت، روز جهانی کارگر / ۱۶ آبان، انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ / ۱۹ بهمن روز سياهکيل / ۲۲ بهمن، روز قیام / ۱۷ اسفند، روز همبستگی بین المللی زنان / ۲۷ اسفند روز کومون پاریس. بعلاوه بمناسبت سالروز تولد رهبران بزرگ کومونیس همچون مارکس، انگلس و لنین مناسب است که ترجمه یکی از مقالات کوتاهشان که تاکنون بزبان فارسی برگردانده نشده است، در نشریه درج شود. تبصره: از میان تمامی موضوعات مطروحه فعلا بنا به توان موجود، موارد زیر در دستور کار قرار میگیرد و از اولویت برخوردار است: از بخش شماره یک بند های ۲ و ۵ (با عطف توجه به اینکه تمامی ۵ بند در ارتباط با یکدیگرند)؛ از بخش شماره ۲ بند ۲ به انضمام بخش ۳.

بعلاوه:  
۱- بمنظور ارتقا سطح کیفی مقالات، بررسی خودی همه جانبه تر با مسائل مهم و پاسخگویی به نیازهای ایدئولوژیک - سیاسی، اقدام به تشکیل هیأت نویسندگان مشتمل بر نیروهای تشکیلات و سازمانهای وابسته (فعالین) و نیروهای جنبشی (نیروهای مستقل خواهان همکاری) خواهد شد.

۲- مقالات مندرج در نشریه با امضاء خواهد بود.  
تبصره ۱: امضاء مقالات بصورت فردی، جمعی و با ارگانی است.

تبصره ۲: در صورت تقاضای نویسنده و تأیید تحریریه در مقالات پسندون امضاء ممکن است.

تبصره ۳: هیأت تحریریه مسئول تصحیح گوری در رابطه با درج، عدم درج و یا تغییر در مقالات برای درج در نشریه است. در صورتیکه تغییرات حاصله در مقاله ای جنبه مضمونی داشته باشد، مراتب

ترین این موضوعات عبارتند از:

- ۱- اوضاع بین المللی با وضعیت جنبش کومونستی و کارگری جهانی، شامل:
  - ۱-۱: شکل جدید حرکت سرمایه در سطح جهانی و تأثیرات آن بر موقعیت طبقه کارگر،
  - ۱-۲: تحولات در اروپای شرقی و شوروی و تأثیر آن بر جنبش کارگری و کومونستی (و توضیح پیشینه این تحولات)،
  - ۱-۳: روند آتی قطب بندیهای جهانی (در عرصه سرمایه، در عرصه نیروهای سیاسی و...)،
  - ۱-۴: بررسی مشخص موقعیت طبقه کارگر در کشورهای سرمایه داری،
  - ۱-۵: بررسی شکل بندی قطب کومونستی در سطح جهانی (و مسائل و مباحثی انترناسیونالیسم پرولتری.

۲- وضعیت اقتصادی و سیاسی جامعه ایران و گروه بندی های سیاسی:

- ۲-۱: بررسی موقعیت اقتصادی (بحران، تورم، بیگاری، روند های آتی اوضاع اقتصادی و...)،
- ۲-۲: بررسی وضعیت سیاسی (وضعیت مبارزات سیاسی، موقعیت رژیم و...)،
- ۲-۳: گروه بندی های سیاسی بورژوازیستی (شامل بورژوازی و خرده بورژوازی)، قطب بندیها، اختلاف ها و...

۳- جنبش کومونستی و کارگری ایران:

- ۳-۱: بررسی جنبش کومونستی ایران، نیروهایش، مشخصات آن، وضعیت کنونی و آینده (در این محث، مساله حزب کومونست، موانع تشکیل آن، سیاست همکاری ما بین گرایشات کومونستی و... بحث میشود.)
- ۳-۲: وضعیت طبقه کارگر در ایران شامل مباحثی نظیر: سازمانیابی کارگران، تشکیلات

ت خود های کارگران و موانع مقابله آن

تشکیلات در یک بازنگری نسبت به فعالیت های تاکنونی شان و با در نظر داشتن نقش و وظایف هر ارگان، برنامه عمل خود را تدوین نمایند. " برنامه ارگان تحریریه" حاصل مباحثات انجام شده در این رابطه است. آنچه که ذیلا مشاهده میکنید، بنا حد ف برخی موارد تشکیلاتی و مکانیزمهای د رونی و نیز تلخیص و جابجایی مسازهای بندها، بخش های اساسی برنامه ارگان تحریریه را شامل میشود.

برای تحقق وظایفی که ارگان تحریریه در قبال ترویج و تبلیغ خطوط ایدئولوژیک - سیاسی، پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک علمی و نیز ارتقا دانش شورویک بر عهده دارد، وظایف مشخص تحریریه عبارتند از: انتشار نشریه سوسیالیسم، وضعیت سوسیالیسم و بولتن تحقیقاتی و ترجمه. انتشار نشریه سوسیالیسم رکن اساسی و دانشی وظایف ارگان تحریریه است.

اول: نشریه سوسیالیسم  
از آنجا که بنا به توان موجود، انتشار دو نشریه برای پیشبرد وظایف ترویجی و تبلیغی میسر نیست، نشریه سوسیالیسم هر دو جنبه را تماما به پیش میرد و بنا به شرایط موجود جنبش کومونستی و مبارزه طبقاتی (بطور کلی، از آنجا که امر ترویج از اهمیت اساسی برخوردار است) لذا جنبه ترویجی - سیاسی نشریه عهده خواهد بود.

برنامه موضوعی نشریه شامل دو بخش است:

الف - موضوعات جاری که بر رویدادها متکی است. برای هر شماره بر اساس اهمیت رویدادها و توان عمومی نیروهای درگیر در امر نویسنده کی و احاطه نسبی به موضوع رویدادها، موضوعاتی جهت تنظیم و درج در نشریه انتخاب میشود. ب - موضوعاتی که بر اساس راستای مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی " هسته اقلیت" قابلیت پیشبینی و برنامه ریزی دارد. اساسی

از میان نامه ها

مستون نژ" میان نامه ها " حاوی بخش هایی غیره ولز از میان نامه ها و گزارشاتی است که به نشریه ارسال می شود. پدیدهی است که درج این گزارشات و با نامه ها از آنها معنای تائید مفاد آن نمی باشد.

پیرامون اطلاعیه مشترک بین اتحاد گران انقلابی ایران (راه کارگر) - سچفخا ( اقلیت ) - هسته اقلیت به مناسبت بین سانگرد قتل عام زندانیان سیاسی - ای هسته اقلیت !

یکی از موارد انتقادی پیرامون - یوای از عملکرد " سازمان " در داخل خارج از کشور ، انتقاد به " حرکت های یسی " و " اعلام حضور در همه جاسا " که مدعی مرزبندی یا حرکت همسای یسی شدید ( و شدید ) این انحراف چه خود ریشه در انحرافات دیگسیر زمان در مرصه نظری و تشکیلاتی سازمان کنی گرامی - داشت ، از ابزارهای توهیم خود خصلت یک حرکت یا عملکرد بوده ، دادن چنین اطلاعیه ای نه ایجادگر بکنی است و نه عملکردی که بتوان چنان بلتی را بدان داد . اگر چه علت واقعی دن چنین اطلاعیه ای از همان " منطبق " وی می کند . اطلاعیه ای نه برای " اعلام نور در همه جا " بلکه برای خالی نبودن شه ، چرا که دیگر همان توان مسدودی که امکان چنان عملکردها و حرکت های یسی نیز می داد ( البته به اضافه موایل دیگر ) دودتر گشته است . انگیزه و " منطبق " آن انگیزه و " منطبق " است اما خود مشکل دیگر باز تولید نموده است . از آنجا " دیوار چینی " مانع گشت در روز مسا امروز نگردد پده است آن ذهنی گرامی یزت د دیگری جلوه گر می شود . نیرویی که بشم دید " واقعیت های پیرامونی و روشی د را آنطور که هستند ندارد ، نیرویی " چشم دید " واقعیت امروزین ما بعنوان کلماتی که حتی یک برگ از نشریه سات اطلاعیه های پیش به داخل ایران نمی رود ندارد و در بالای اطلاعیه اش می نویسد : ارگران و زحمتکشان ! مردم مبارز ایران ! " ز نیرویی که می داند این اطلاعیه خارج از کشور توزیع می شود ، می نویسد : نها راهی که در برابر شما برای رهائی شر مسامی که این رژیم مبار آورده قسرار نه است تشدید مبارزه تا سرنگونی این م و برقراری یک حکومت دمکراتیک و انقلابی نت . این جملات هم اسباب آرامسش شدن نه وجدان بعضی تشکیلات

" مهاجر " و " خارجه نشین " ما " ها " را فراهم می کند و هم اسباب فریب دادن خود و دیگران را ( اگر چه دیگران آندرها از طول و عرض این تشکیلاتها بنا خبر هستند که فریب نخورند ) . د بیروز " اعلام حضور در همه جا " امروز اطلاعیه " اعلام حضور " در آنجایی که حضور نداریم . باز اما واقعیت های دیگری نیز هستند که " چشم دید " آنها ندارید در اطلاعیه نوشته شده است : " دو سال از قتل عمام زندانیان سیاسی ایران به دست جلاادان رژیم جمهوری اسلامی گذشت . این جنایت هولناک که تیامی بشریت تمدن را متأسیر ساخت و افکار عمومی جهان را علیه اینسین وحشیگری رژیم جمهوری اسلامی برانگیخت " اگر عطای این جنمپردازی و امانتستی پیسر امون " بشریت تمدن " را به لقاییش ببخشیم اما نکته ای نمی ماند که اگر فقط نیم نگاهی به اکسیونهای افشاگرانه پیرامین کشتن سار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ بکنیم می بینیم که گستردگی این اقدامات افشاگرانه آندر نبود که بتواند تمامی " بشریت تمدن " را حتی از این اقدام جنایتکارانه رژیم آگاه نماید چه برسد به آنکه افکار عمومی جهان را " برانگیزد " ما اینکه متاثرشان سازد ( ۱ ) قتل از وارد شدن به قسمت بعدی یک نکته قابل تذکر است برای آنکه " جملاتی مستقل از کلیت این بخش از اعلا میه " ( ۲ ) نشانگر " تفسیرهای دیگر " ( ۳ ) ما نباشد مجبوریم طیرم طولانی شدن مطبعلک این بخش از اعلا مه را بیابورسسه و نشان دهم که این موضعگیری رفا در این بخش نه تنها در تناقض با مواضع هسته اقلیت ( اگر چه خود امضای این اطلاعیه توسط رفا خود جزو مواضع هسته اقلیت محسوب می گرد اما موضعی نه تناقض با دیگر مواضع ) می باشد بلکه نشان دهنده این است که رفا " کمال مطلوب " ( ۴ ) نیروی دیگر بعضی کمیته اجرائی در این اتحاد عمل یعنی " انطباقی مواضع حد اکثر " ( ۵ ) این نبود در رابطه با " مضمون پلاتفرم " ( ۶ ) رابنا به هر مصلحتی اما به قیمت چشم پوشی از مواضع خود فراهم نموده اند : " اما چسه خیال باطلی ! تاریخچه مبارزات قهرمانانه تودمهای مردم ایران و سراسر جهستان مکرر این حقیقت را به اثبات رسانده است

که حتی وحشیانه ترین شیوه های سرکوب و فجع ترین جنایات ضد بشری مرتجعین قادر نیست در مبارزه بخاطر دمکراسی و آزادی خللی ایجاد کند " ( ۷ ) اگر جملات بعدی که تکمیل کننده این قسمت است نیامده بود میتوانستیم این قسمت را بعضی ایجاد عدم خلل در مبارزه مردم بخاطر دمکراسی و آزادی بواسطه وحشیانه ترین شیوه های سرکوب و . . . را اینگونه تفسیر کنیم که منظور از مبارزات مردم ، مبارزه بخاطر عام در " تاریخچه مبارزات قهرمانانه تودمهای مردم ایران و سراسر جهان " است . اما جمله بعدی : " لذا طیرم وحشیگری جمهوری اسلامی در قتل عمام زندانیان سیاسی و با وجود اعدامها مبارزه و سرکوبهایی که تا به امروز ادامه یافته است مبارزه و اعتراضی تنها فریونش نکرد ، بلکه گسترش یافت : " ( ۸ ) پس بحث نه صرفا از مبارزه مردم که " ادامه یافته " بلکه از مبارزه ایست که " گسترش یافته " و " فریونش کرده " است می باشد ، تذکر مجدد اینکسه بحث از مبارزه و اعتراض برطنیه اعدامها و کشتار زندانیان سیاسی نیست چرا که صراحتا از مبارزه مردم برای دمکراسی و آزادی سخن بهمان رفته است . اما تناقض کجاست ؟ ( آیا نیازی به گفتن هست ) رفا هم در اطلاعیه بهمین ماه به مناسبت بهستمین سالروز حماسه سیاهکل از " افت جنبش کارگری و دمکراتیک " و همچنین در مقالات دیگر نیز از " ادامه مبارزه " و از " افت " این مبارزه سخن گفته اند نه از " گسترش " این مبارزه ، و تازه اگر قرار بود که " تا سه امروز " " مبارزه و اعتراض " نه تنها فریونش نمی کرد بلکه طیرم " اعدامها و سرکوبها " گسترش می یافت د دیگر جمهوری اسلامی نمی توانست " در سراسر دوران حاکمیت ننگین خود تنها با توسل به قهر و سرکوب محروم کردن مردم از ابتدائی ترین حقوق دمکراتیک و آزاد بهای سیاسی و برقراری یک دیکتاتوری غش و افسار گسیخته به حکومت جا برانه و ستیزگانه خود " ( ۹ ) ادامه دهد . یا شاید هم رفاقی تنظیم کننده اطلاعیه بنا برتر ایشتن خود را سوار بر سفینه ای دیده اند ( تشبیبی نیست اگر ستاد پولادین برولتار را میل به سفینه شده باشد ) که با سرعت نور در حرکت است و بواسطه همین سرعت عوامی همچون بعد مسافت نمی تواند خللی در مبارزه ایجاد کند ای کاش در مبارزه طبقاتی چیسن سفینه ای بود ! شاید هم بگوئید که ما در بارگراف قبلی از " رشد اعتراضات " - ای سخن گفته ایم که جمهوری اسلامی می خواهد " به خیال خام خود با تشدید

کا  
)  
د  
را  
د  
و  
ن  
بو  
د  
از  
ن  
پیر  
اه  
ح  
د  
په  
ح  
حر  
ه  
را  
ما  
ه  
را  
که  
از  
به  
خ  
که  
ش  
یا  
را  
و  
د  
از  
گر  
ن  
ا  
ب

## درباره سیاست نشریه و برنامه ارگان تحریریه

به نویسنده اطلاع داده میشود گنجه نسبت به درج مقاله با یا بدون امضاء نویسنده تصمیم گیری میشود .  
۳- نشریه سوسیالیسم هر دو ماه یکبار منتشر میشود .

تبصره : حفظ سطح کیفی نشریه و ارتقاء آن در مقایسه با فاصله زمانی انتشار از اولویت برخوردار است . لذا انتشار هر دو ماه یکبار نشریه در صورتی میتواند دائمی و تنظیم شود که فعالیت "هیئات نویسندگان" به فعل درآید . در فقدان چنین فعالیتی تجدید نظر در فاعلیه انتشار نشریه امری الزامی خواهد بود .

دوم : ضمیمه سوسیالیسم  
سوسیالیسم که در نشریه شماره ۲ تشریح شده است ، تغییری داده نشده است و صرفاً موارد زیر تصریح میشود :

- ۱- ضمیمه سوسیالیسم زیر نظر هیئات تحریریه انتشار مینماید .
- ۲- معیار درج مقالات عبارتند از :

۱- میسر نظرات نیروهای ضد انقلاب نباشد ( این نیروها و معیارهای آن در قطعنامه‌های مصوب مشخص شده است ) .  
۲- از حداقل سطح کیفی برخوردار باشد .  
تبصره :

در صورتی که مقاله ای با کار مجدد بر روی آن قابل درج در ضمیمه سوسیالیسم تشخیص داده شود ، تحریریه نظرات اصلاحی را برای نویسنده ارسال میدارد .  
۳- تحریریه از میان نوشته‌های مرتبوسط به مبارزه آید اولویت درونی ، با موافقت نویسنده مقالاتی را برای درج در ضمیمه سوسیالیسم میتواند انتخاب کند .

۴- در شرایط فعلی ، مباحث پیشنهادی برای ضمیمه سوسیالیسم عبارتند از :  
- مفهوم فعالیت کمونیستی و سازمانیابی کارگران .

- بررسی جنبش کمونیستی جهانی و تأثیر تحولات اخیر اروپای شرقی و شوروی بر آن .  
پیشنهاد دو موضوع فوق به معنای بسته شدن ضمیمه سوسیالیسم بر روی سایر موضوعات نیست .

### سوم : بولتن تحقیقاتی و ترجمه

۱- این بولتن شامل ترجمه‌هایی در راستای شناخت اوضاع بین‌المللی و جنبش کمونیستی و نیز تحقیقاتی در جهت کمک به

تنظیم مجدد برنامه است .

تبصره ۱ :

کلیه مقالات بولتن با امضاء به چاپ میرسد .

تبصره ۲ :

مقالات مندرج در بولتن الزاماً منطبق بر مواضع تشکیلات نخواهد بود و ایسین موضوع طی مقدمه‌های در بولتن ذکر میشود .

۲- ارگان تحریریه ، گروه‌های تخصصی را جهت ایجاد ارتباط با نیروهای داوطلب در امر ترجمه و تحقیق ( ام از نیروهای تشکیلات ، فعالین و مستقل ) و ایجاد امکانات ( از جمله تکثیر مقالاتی بزبان فارسی و پخش آن مابین نیروهای داوطلب در امر ترجمه و تحقیق چاپ و توزیع بولتن و ... ) تشکیل میدهد .

۳- تحت شرایط کنونی ، و اساساً بنا به توان موجود ، مقدمه‌ها انتشار بولتن ترجمه در دستور کار قرار نمیگیرد . اساساً ارزیابی از کمیت و کیفیت مقاله ، ترجمه شده ، در مورد انتشار بیرونی آن - حتی المقدور بصورت منظم - تصمیم گیری میشود .

۴- در فوق‌عیت کنونی ، راستای عمومی موضوعات بولتن ترجمه حول مقوله‌هایی در ارتباط با تحولات جامعه - شوروی و اروپای شرقی پیشنهاد میشود .

هیأت تحریریه

## از میان نامه‌ها

جو حقان و سرکوب و ایجاد فضای رعب و وحشت به مقابله با آن پردازند " رشد اعتراضات توده‌های " در یک دوره نسبتاً کوتاه بواسطه همپازان شهرها یک چیز است گسترش و عدم فروکش مبارزه و اعتراضات به امروز چیز دیگری و این همان مطلبی است که کمیته اجرائی با تبیین های خود ساخته و تصمیم های بی جا آنها در هر سرمقاله نشریه " خویش اعلام می‌دارد و در ضمن آن " توده‌های مردم ایران ، کارگران و زحمتکشان " بخاطر سوسیالیسم مبارزه می‌کنند همانطور که نوشته‌اید " رژیم جمهوری اسلامی ... هزاران زندانبانی سیاسی را کشتار کرد تا به خیال خود ... به مقابله با رشد اعتراضات توده‌ای برخیزد و توده‌های مردم ایران ، کارگران و زحمتکشان را از مبارزه بخاطر آزادی و دموکراسی و سوسیالیسم بازدارد " همانطور که جملات به روشنی می‌گویند بحث ، بحث تبلیغی یا تزویجی برای توده‌های مردم ایران ، کارگران و زحمتکشان " نیست

بلکه بحث از مبارزه‌ایست که بالفعل جریان دارد ، بهر حال از آنجا که معتقد هستیم شما در مبارزه‌ای که بالفعل جریان دارد ، " توده‌های مردم ایران ، کارگران و زحمتکشان " را آنقدر رشد یافته فرض میکنید که برای سوسیالیسم مبارزه میکنند این را به حساب یک " جمله پرداز " می‌گذاریم یا اینکه بهرامون آن به نظرات جدیدی دست یافته‌اید یا از مبارزه‌ای خبر دارید کسبه بالفعل جریان دارد و چنین شماری در صدر جنبش اعتراضی توده‌ها تکرار دارد !!

و نهایتاً اینکه وقتی " تمامی بشریت متدین " از کشتار زندانبان سیاسی در ایران متأثر شده وقتی که حتی برای ناآگاه ترین افراد ماهیت ارتجاعی رژیم آشکار گردیده ، وقتی که " حقایق بیش از هر زمان دیگر عیان و آشکار شده است " بهتر نبود همین بخش از وقت خود را که صرف تنظیم اطلاعیه و دادن جواب به انتقادات می‌کنید صرفاً آشکار و عیان " ساختن آن حقایقی می‌کردید که برای " بشریت متدین " و " نا آگاهترین افراد " بهشتی از هر زمان دیگر " عیان و آشکار " نشده است و بدان یک تراکت با مضمون زیر :

" ما در دومین سالگرد قتل عام زندانبان سیاسی ایران بار دیگر این جنایت فجیع و هولناک جمهوری اسلامی را محکوم میکنیم و باد همه شهدای راه دموکراسی و سوسیالیسم را گرمی میداریم " ( ۱۰ ) اکتفا می‌کند .

شاید اگر اندکی واقع‌بینانه‌تر بودیم ، می‌توانستیم در دوران جنبش از دوران دادن چنین اطلاعیه‌های تکراری و خالی از مضمون گذشته است . آیا از تجارب درس می‌گیریم یا آنکه باز " تکرار می‌شویم " ؟

( ۱ ) - بهر حال اگر رفتار اسنادی دارند که نشان دهند برانگیختن افکار عمومی و تأثیرشان در مقیاس جهانی است مسا را مطلع سازند خوشحال می‌شویم .  
( ۲ ، ۳ ، ۴ ، ۵ ، ۶ ) - پاسخ به سئوالات نشریه سوسیالیسم شماره ۱۷ .  
( ۷ ، ۸ ، ۹ ، ۱۰ ) - به نقل از اطلاعیه مشترک با د رود های رفیقانه  
فعالین هسته اقلیت در آلمان - نورنبرگ

رونوشت : فعالین هسته اقلیت در آلمان و سایر کشورها .



## بررسی موقعیت طبقه کارگر در ایران

سوسیالیسم را یاری کنند .

□ □ □ □ □ □

از جنبش مشروطه تا سقوط رضاخان است. در بخش یک ملاحظاتی فشرده بر ساختار اجتماعی - اقتصادی و رشد سرمایه در دل جامعه سنتی خواهیم داشت و موقعیت صنایع در ایران، آرایش نیروی کار و سامانه های تولید در دوره مورد نظر را مورد بررسی قرار داده سپس جنبه های مختلفی از وضعیت کارگران نظیر کار زنان و کودکان بهداشت و ایمنی، دستمزدها و قوانین کار و وضعیت کارگران مهاجر ایرانی و جایگاه آنان در جنبش کارگری را مورد بررسی قرار خواهیم داد. در بخش دوم، شرایط ذهنی، یعنی میزان آگاهی سیاسی و اجتماعی کارگری و علل گسترش و رشد آن در این دوره را مورد بررسی قرار داده و سپس جمع بندی فشرده ای از مبارزات کارگران، خواسته ها و تمایلات کارگران و اشکال دستابی به آنان، شکل های کارگری، علل رشد و فروپاشی آن خواهیم داشت و آنگاه به پیش زمینه های رشد افکار و آراء سوسیالیستی در ایران، شکل گیری حزب کمونیست، مکان آن در سازماندهی جنبش کارگری و گرایش های این حزب و علل فروپاشی آن، میردادیم و دست آخر مکان پیشروان کارگری در جنبش کارگری، اثرات این بخش از کارگران در سازماندهی کارگری و سپس گرایشات متفاوت درونی آنان را مورد بررسی قرار میدهم. (۱) در فصل دوم، به بررسی جنبش کارگری در فاصله دهه بیست و سی سده کنونی شمس و شرایط پس از آن خواهیم پرداخت که طبق روند فصل اول، در ابتدا رویداد های مربوط به صنایع و آرایش نیروی کار در سامانه های تولید و اثرات این مهم بر جنبش کارگری و سپس باز رشد جنبش کارگری، پیش زمینه ها و علل آن، شکل های کارگری و اتحادیه و مکان حزب توده در جنبش کارگری را مورد بررسی قرار داده آنگاه به علل و زمینه های فروپاشی و گسست در فعالیتهای کارگری در شرایط پس از دهه ۳۰ خواهیم پرداخت. در فصل سوم بررسی از جنبش کارگری از رفم ارضی تا شرایط کنونی آن خواهیم داشت که در واقع نقل بحث ها با در نظر داشتن جمع بندی ادوار گذشته معطوف به این دوره است و بر اساس روال قبلی ابتدا تحس

لات ارضی، انباشته، تکوین و مشخصات شیوه تولید سرمایه داری در ایران و اثرات آن در تحول و دگرگونیهای متفاوت اجتماعی و ایضا وضعیت کارگران مورد بررسی قرار خواهد گرفت و سپس اثرات عملکرد سرمایه در ایران بر گروه های مختلف کارگران، وضعیت بیکاری و روندهای مسلط بر رشد آن، قوانین جاری در محیط کار و مساله دستمزدها، راد نیال خواهیم کرد. آنگاه اشکال متفاوت سازماندهی کارگری و مبارزات کارگران، شکل بندی های متفاوت شکل های کارگری در ایران و علل گسست در روندهای متفاوت و علل شکل بندی های نوین شکل های کارگری، موانع موجود راه سازماندهی کارگری ( نظیر دولت و بیروکراتیزه کردن محیط کار، کنترل سیاسی و فعالیتهای کارگری، و تشکل های کنترالیستی)، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. و آنگاه به بررسی آگاهی اجتماعی - سیاسی کارگران و شرایط اثرگذار بر این مورد یعنی ذهنیت کارگران، منشأ کارگران، قشری، ترکیب و تمایلات اجتماعی آنان در جنبه سنت سازماندهی، آگاهی و کیفیت رهبری در نهاد های سازماندهی کارگری خواهیم پرداخت و در پرتو بررسی این نکات به مفهوم رابطه کمونیسم و کارگران، مفهوم سیاست سازماندهی کمونیستی در میان کارگران و بررسی گرایشات رادیکال و سوسیالیستی در میان کارگران ایران، مفهوم حزب اجتماعی کمونیستی، رابطه حزب و طبقه، کارگران و انقلاب اجتماعی و... میردادیم. در بررسی مفاهیم و موضوعات این فصل، سیر تحولات این موضوعات با در نظر داشتن جمع بندی های دو فصل پیشین در مقاله های مستقل مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. باید در نظر داشت که در بررسی نکات و موضوعات سه فصل مورد نظر، علاوه بر استفاده و کاربرد تجارب جنبش، موضوعات و نوشته های که به بررسی جنبش کارگری پرداخته اند، در تلاشیم که از انرژی و همگامی سایر رفقا و دوستداران نشریه سوسیالیسم استفاده کنیم. بنا بر این از رفقای علاقمند در خواست داریم که با طرح نکات تکمیلی، انتقادی و اثباتی، تحریریه

بررسی موقعیت طبقه کارگر در ایران  
فصل اول: جنبش کارگری از مشروطه تا سقوط رضا خان،

بخش یک: ملاحظاتی بر ساختار اجتماعی - اقتصادی و رشد سرمایه در دل جامعه سنتی، موقعیت صنایع در ایران، آرایش نیروی کار در سامانه های تولید، منشأ کارگران، کار زنان و کودکان بهداشت و ایمنی، دستمزدها و قوانین کارگران مهاجر.

۱- ملاحظاتی بر ساختار اجتماعی - اقتصادی و رشد سرمایه در دل جامعه سنتی.

زیر و رو شدن شیوه کار اجتماعی که نتیجه ناگزیر تحول و وسایل تولید است. بوسیله درهم آمیختگی های گوناگون از اشکال گذار انجام میابد. (۲)

در نیمه دوم قرن نوزدهم، اقتصاد سنتی ایران، به اقتصاد جهانی و بازارهای بین المللی وابستگی پیدا کرد. با وجود راههایی به بازارهای جهانی و دگرگونی های که در اقتصاد سنتی جامعه و اجزای متشکله آن طی این زمان بوجود آمدند و با وجود زیر و رو شدن جنبه های از شیوه کار اجتماعی، تسلط شیوه تولید سرمایه داری در ایران، اما با موانع تاریخی روبرو بود. این موانع کدام بود؟ و چه اثراتی در رشد و تکوین سرمایه و ایضا دگرگونی هایی که در طبقه های اجتماعی در اثر تسلط شدن این شیوه تولید بوجود می آید میگذاشت؟ مکان بررسی جامع این نکات، نوشته های است که باید به بررسی ساخت اجتماعی - اقتصادی در ایران بپردازد. با این وجود اشاره ای بر این نکات بمنظور بررسی موقعیت طبقه کارگر، شکل گیری و رشد آن و اثرات کارکرد های سامانه های تولید بر وضعیت اجتماعی کارگران، ضروری است. هر چند که پیش زمینه های این بحث اندکی مطول شود.

موانع تاریخی رشد سرمایه در ایران، و اثرات سامانه های تولید بر موقعیت اجتماعی کارگران:

موانع تاریخی رشد سرمایه تحولات صنعتی در ایران، بطور عمده از ترکیب

## زنده باد استقلال طبقه کارگران

سته پدیدها و نهاد های داخلی  
 رچی سرچشمه میگرد . موانع داخلی  
 سرمایه را با بد در خصوصیات، شیوه  
 تولید شهری روستائی، ایلی و نظام  
 بی و اجتماعی حاصل از آن جستجو  
 حال آنکه موانع خارجی رشد سرمایه  
 از وضعیت نیمه استعماری و تحولات  
 دی و سیاسی جامعه ایرانست  
 بن شرایط مایه میگردند . یک رساله  
 بی در این باب مینویسد : " موانع  
 بی رشد سرمایه داری خود به شرایط  
 های بستگی دارند که در سیر حوادث  
 بی شکل گرفته و بمرور در جامعه  
 ، استقرار یافتند . نخست خصوصیات  
 سیاسی و اقتصادی در جامعه  
 ، و روابط خاص آن با جامعه روستائی  
 که سابقه ای بس کهن در این سرزمین  
 و دیگر مربوط به تداخل و تزاوم  
 تولید عشائری با شیوه های دیگر تولید  
 له عشایر بر اجتماعات روستائی است .  
 تولید شهری و روستائی در ایران  
 بی بود که سبب توسعه نیافتن  
 کار اجتماعی میان کشاورزی، بازرگانی  
 نت میگردد بدو در نتیجه جامعه  
 جدا کردن تولید شهری و روستائی  
 داشت ، اجتماعات شهری و روستائی  
 واحد های بزرگتر منقطع ای که  
 ، پیوند های سیاسی ، اقتصادی ،  
 می ، فرهنگی ، دینی بودند ، گورد  
 بد و سرانجام مانع تمایز شهر و روستا  
 رویی آنها با یکدیگر میشد . این  
 ها هر چند از یکسو اهمیت شهر  
 نظام اجتماعی افزایش میداد ، اما  
 گر موانع خود فرمانی اجتماعات  
 ، میشد . " ( ۳ ) تداخل و تزاوم  
 تولید عشائری با شیوه های دیگر  
 و سلطه عشایر بر اجتماعات شهری  
 تائی از یکسو فعالیت های کشاورزی  
 دامنه و از حرکت آن به اجتماعات  
 ، جلوگیری مینمود و دیگر آنکه  
 ه سرمایه از بطن بازارها را دشوار  
 نت .  
 زد دیگر موانع رشد سرمایه در ایران  
 خارجی بود که اثرات آن از یکسو  
 ، پیدایش وضعیت نیمه استعماری و راهب  
 تصاد سنتی به بازارهای جهانی  
 ده سیزدهم هجری قمری است  
 ، دیگر سو کارکرد های و قدرت روسیه  
 بی بر نهاد های سیاسی و اقتصادی  
 ه ایران بود . کارکرد های این  
 رت در واقع معطوف به اهداف معینی  
 بدین گونه که تطابق آنان در آغاز  
 ، موانع صرفا سیاسی بود و سپس

با گسترش بازار جهانی سرمایه در  
 اواخر قرن سیزدهم ، منافع اقتصادی در کنار  
 منافع سیاسی مورد توجه ویژه قرار گرفت  
 و همینگونه بود که گسترش فعالیت های  
 اقتصادی بعنوان وسیله ای برای تحکیم  
 و تبعیت موقعیت سیاسی بکار گرفته شد :  
 " این وضعیت آثار و نتایج پر اهمیتی از نظر  
 ماهیت تحولات اجتماعی در ایران داشت .  
 همچون حمایت از نهاد های کهن حکومتی  
 و حفظ وضع موجود سیاسی ، پاشیدگی  
 بازارهای کوچک غیر قابل انعطاف محلی ،  
 رشد تجارت خارجی ، تخصص در تولید  
 و صدور مواد خام ، رکود صنایع سنتی ،  
 برهم خوردن توازن پرد اخفا ، افزایش  
 قرضه های خارجی و کارکرد های این  
 و قدرت ، بر مؤسسات اقتصادی مانند  
 بانکها و گمرکات ، بازارهای محلی . " ( ۴ )  
 با توجه به آنچه که گفته شد و با توجه  
 به عواملی که بعنوان موانعی عینی  
 در تداوم رشد و تکوین سرمایه طی  
 این دوره عملکرد داشتند ، رشد سرمایه  
 در ایران با روند کند و تدریجی و بسیار  
 آهسته آغاز گشت . طی این دوره سطوحی  
 از عوامل درهم تنیده ساختار اجتماعی  
 - اقتصادی جامعه ایران را تشکیل  
 میداد . از یکسو اقتصاد سنتی که ترکیبی  
 از نظام فئودالی همراه با ویژگی های  
 اقتصادی - سیاسی جامعه شهری و روستا  
 بی در تداخل با شیوه تولید عشائری  
 و از دیگر سو رشد کم تحرک سرمایه  
 در دل جامعه سنتی و راهبای  
 بازارهای جهانی همراه با کارکرد های  
 آن که ناشی از موقعیت دول روسیه و انگلیس  
 در جامعه ایران بوده است ، اثرات این  
 مجموعه ، بر دولت و طبقات اجتماعی ،  
 ساختار سیاسی حکومتی بدین گونه بود ،  
 که گر چه درهم آمیختگی های در شیوه  
 کار اجتماعی صورت گرفت که بیانگر رشد  
 سرمایه در دل جامعه سنتی بود ، موانع  
 عینی تاریخی اما دامنه دار تر از آن بود  
 که بتواند ، شیوه کار اجتماعی را زیر و رو  
 کند . چنین شرایطی اثرات بلا فصل خود  
 را در موقعیت و آرایش طبقات اجتماعی  
 در تحولات سیاسی ، مبارزات و آگاهی  
 اجتماعی آنان بجای میگذاشت ، و قطعاً  
 موقعیت طبقه کارگر نیز از این امر مستثنی  
 نخواهد بود . بمنظور گذار به بررسی  
 این مهم ، در ابتدا به بررسی وضعیت  
 صنایع با توجه به اشکال متفاوت آن خواهیم  
 پرداخت و سپس به بررسی آرایش نیروی  
 کار در این اشکال متفاوت صنایع میپردازیم .  
 ۲- موقعیت صنایع در ایران  
 با توجه به آنچه که در مورد بافت

اقتصادی جامعه گفته شد ، رشد سرمایه  
 در دل جامعه سنتی در اواخر سده ،  
 سیزدهم هجری با دامنه ، بسیار کم تحرک  
 آغاز و سپس تا سه دهه بعد - با در نظر  
 داشتن روند کند و تدریجی حرکت سرمایه  
 در دل جامعه سنتی - کم کم شتاب بیشتری  
 یافت . این روند شامل درهم آمیزی  
 شکل از صنایع بود ، صنایع بزرگ ، صنایع  
 ماشینی و کارگاهی و صنایع سنتی و دستی .  
 اسناد و شواهد تاریخی نشان میدهند که  
 رشد صنایع بزرگ با دامنه بسیار محدود ،  
 صنایع ماشینی و کارگاهی با دامنه های  
 محدود ، در کنار صنایع سنتی و دستی  
 که بصورت نسبتا گسترده ای در دل جامعه  
 سنتی موجود بود ، رویه رشد نهادند .  
 موقعیت هر یک از صنایع با توجه به  
 موقعیت صاحبان آنها چنین گزارش شد :  
 اند ،  
 صنایع بزرگ خارجی و داخلی شامل :  
 تأسیسات نفت ایران و انگلیس در خوزستان ،  
 شیلات شمال متعلق به لیا نازوف ( تبعه  
 روسیه ) ، صنایع بنادر شمال و جنوب ،  
 صنعت حمل و نقل ( راه آهن های کشور  
 و راه سازی ) . ( ۵ )  
 بهترین و قابل اهمیت ترین این  
 بخش از صنایع ، صنعت نفت بود ، در اوایل  
 قرن بیستم میلادی رشد و طی دو دهه  
 گسترش قابل اهمیتی داشته است . بطوریک  
 دو دهه بعد از شکل گیری صنعت نفت  
 در ایران ، میزان استخراج نفت معادل  
 ۱۲ میلیون بشکه شد و ایران در تولید  
 جهانی نفت در مکان پنجم قرار گرفت  
 صنعت نفت بعنوان یگانه صنعت بزرگ  
 اهمیت ، چه در وضعیت اقتصاد و چه  
 در سیر تحول و شکل گیری کارگر صنعتی  
 در ایران ، اثرات مهمی داشت . بطوریک  
 یک گزارش در این مورد مینویسد : " یگانگی  
 اقتصاد در حال گسترش ایران در اوایل  
 قرن بیستم ، صنعت نفت جنوب بود . استخراج  
 اج نفت در آنجا بخصوص در ناحیه  
 نفتون ، باعث پیدایش قصبات کارگر شهر  
 و اردوگاه های کارگران و کارمندان بومر  
 در این ناحیه شده بود . " ( ۶ )  
 صنایع ماشینی و کارگاهی ؛  
 مهمترین کارکردی که سرمایه در دل  
 مع سنتی داشت ، شکل گیری صنایع ماشینی  
 و کارگاهی از اواخر قرن نوزدهم و اوایل  
 قرن بیستم بود . صنایع ماشینی و کارگاه  
 در اواخر دوره قاجاریه ۶۱ کارخانه متعلق  
 گزارش شده که تعداد ۴۱ کارخانه متعلق  
 به سرمایه داران خارجی شامل آلمانی

دوا  
 و خا  
 رشد  
 های  
 سیاه  
 کرد  
 داره  
 افتصه  
 در ا  
 تحفه  
 داخ  
 دوگا  
 تاریخ  
 ابراه  
 نظام  
 شهر  
 است  
 دارد  
 شیوه  
 وسل  
 شیوه  
 بیگونه  
 تقسیم  
 و صد  
 را از  
 بازه  
 را در  
 دارا  
 اجته  
 می او  
 و روه  
 و بزرگو  
 را د  
 از د  
 شهر  
 شیوه  
 تولید  
 و روه  
 را کم  
 شهر  
 توسع  
 میسا  
 موانع  
 موجه  
 بی ا  
 در  
 و از  
 و انکا  
 جامه  
 دوة  
 بود  
 متوجه

جدول شماره ۲: آرایش نیروی کارگران در صنایع بزرگ ایران در اواخر دوران قاجاریه

تعداد کل کارگران صنایع بزرگ ۱۴۸۰۰		
صنایع	تعداد کارگران	درصد به کل کارگران صنایع بزرگ
تأسیسات نفت ایران و انگلیس	۷۰۰۰	۴۷/۲ درصد
شیلات شمال متعلق به ریانانف روسی	۴۰۰۰	۲۷ درصد
تأسیسات چوب و قطع اشجار جنگلی	۳۰۰	۲/۱ درصد
راهسازی و حمل و نقل	۳۰۰۰	۲۰/۱ درصد
راه آهن تبریز و جلفا	۳۰۰	۲/۱ درصد
راه آهن (کارگران دائمی)	۲۰۰	۱/۴ درصد

منبع جدول: کارگران ایران در اواخر دوران قاجاریه

۲۵۰۰۰ نفر بوده است. (۱۱) و اساس اظهارات ایرانیان، تریا و پاولویچ در سالهای ۱۰-۱۹۰۵ در شهر تبریز بالغ بر صد کارخانه وجود داشته و تعداد کارگران کل شهر متجاوز از ۱۰۰۰۰ نفر بوده است (۱۲) در صنایع دیگری موقعیت کارگران معادن در اوایل قرن بیستم چنین گزارش شد: ۳۰۰ نفر در معادن مس سیوار ۳۰۰ نفر در استخراج معادن نیریزکوه ۱۰۰ نفر در معدن نیکه ۲۰۰ نفر در معادن سنگهای مرمر و معادن گوگرد (۱۳) منبع دیگری متذکر شد که در تهران ۵۰ هزار کارگر، تبریز ۳۰ هزار، در رشت ۱۵ هزار و انزلی ۱۰ هزار کارگر در اوایل قرن بیستم کار میکردند. همین منبع تعداد کارگران را در سال ۱۳۰۸ شمسی ۱۵۰ هزار ذکر کرده و متذکر است که چنانکه کارگران روزمزد و صنایع سبک به این رقم اضافه شود تعداد ۱۵۰ هزار تن می تواند به آسانی به دو برابر افزایش یابد (۱۴) همچنین از گزارشی که در اسناد وزارت خارجه بریتانیا بجای مانده در اواخر دهه اول قرن جاری شمسی، تعداد کارگرانی که در نواحی جنوب کشور وجود داشته در صنایع نفت اشتغال داشته اند رقمی شده است. (۱۵). ارقام فوق که ناظر به رشد کارگران در چند سال بعد از دوره قاجاریه است، تأکید بر نکته است که در ابتدا از آن سخن گفتیم رشد سرمایه در دل جامعه سنتی بسیار آهسته و تدریجاً و با شتاب بیشتری طی سه دهه بود.

بطور کلی بررسی وضعیت صنایع نوین

مشخصات کارخانه ها و کارگاههای رنگرزی در ایران - اواخر قاجاریه

نام کارخانه یا کارگاه	محل کارگاه	تعداد	تابعیت	براه کارگر	درصد کارگران کل
کارخانه تند	کهریزک	۱	ایرانی	۳۰۰	۲۶
کارخانه قالینایی	تبریز	۱	آلمانی	۸۰۷	۸/۷
کارخانه کبریت سازی	تهران	۱	روسی	۵۰	۱/۳
تأسیسات نقش	انزلی - استرا	۵	روسی	۱۷۰	۱۲/۷
کارگاههای بنه پاک کنی	سازندران - خرسان	۱۷	روسی	۲۷۲	۲۳/۶
ارتنشمناس	آذربایجان	۱	روسی	۲۰	۲/۶
کارگاههای ساختن	آذربایجان	۲	روسی	۲۰	۱/۷
تبریز	تهران	۱	آلمانی	۲۰	۱/۷
کارخانه برقی	انزلی	۲	روسی	۳۰	۲/۶
تبریز	انزلی	۱	آلمانی	۲۰	۱/۷
روغن کوی	مشهد	۱	روسی	۲۰	۱/۷
کارخانه تباکو	مشهد	۱	روسی	۲۰	۱/۷
انگل سازی	ارومیه	۱	روسی	۱۰	۱/۳
پخش سازی خوشناربا	انزلی	۱	روسی	۱۰	۰/۸
کارخانه آسای نجاری	تبریز - ارومیه	۲	روسی - آلمانی	۲۰	۱/۷
کارخانه چوب بری	گیلان - ارومیه	۳	روسی - آلمانی	۴۰	۳/۵
فستق سازی	اصههان	۱	آلمانی	۱۵	۱/۳
جمع		۲۱		۱۱۵۲	۱۰۰

جدول شماره ۴: منبع جدول شماره ۳

جدول شماره ۵: کارگران صنایع دستی و سنتی چنانکه از ارقام جدول برمی آید بیش از نیمی از کارگران صنایع سنتی و دستی در قالی بافی کار میکردند. و کارگران نساجی، پس از قالی بافی بیشتر کارگران این بخش از صنایع بوده اند. بطور عمومی نحوه آرایش نیروی کار در صنایع ایران بدین گونه بود که بخش کثرتی از کارگران در "صنایع نوین" شامل صنایع بزرگ و صنایع ماشینی و کارگاهی و بخش وسیعی از آنان در بخش تولیدات سنتی و صنایع دستی که دامنه آن بسیار وسیع و پراکنده بود کار میکردند. به غیر از منبع عبدالهف در مورد تعداد کارگران ایرانی از اواخر سده سیزدهم

مشخصات کارخانه ها و کارگاههای ایرانی - اواخر قاجاریه

نام کارخانه یا کارگاه	محل	تعداد	تعداد کارگران	درصد کارگران کل
کارخانه ابریشمی حاج امین القزلبی	گیلان	۱	۱۵۰	۳۸/۶
کارگاههای بنه پاک کنی	سازندران - خرسان	۹	۱۲۴	۲۷/۵
کارخانه کاغذ سازی	تهران	۱	۶۰	۱۱/۴
کارخانه بنه پاک کنی	تبریز	۱	۲۵	۸/۶
کارخانه برقی	تهران - مشهد - تهران	۳	۲۵	۸/۶
کارخانه بطورسازی امین القزلبی	اصههان	۲	۲۰	۲/۸
کارخانه حلوان سازی نظامت	تهران	۱	۲۰	۲/۸
کارخانه ابریشمی حاج امین القزلبی	اصههان	۱	۲۰	۲/۸
کارخانه اشتک سازی	اصههان	۱	۱۰	۱/۹
کارخانه آبجوسازی	تهران	۱	۱۰	۱/۹
جمع		۲۰	۵۲۴	۱۰۰

جدول شماره ۳: باخذ کتاب عبدالهف، نقل از موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران نوشته احمد اشرف.

جدول شماره ۵ آرایش کارگران در صنایع دستی و فعالیتهای سنتی در اواخر دوران قاجاریه

آرایش کارگران در صنایع سنتی و دستی در اواخر دوران قاجاریه

رشته تولیدی	تعداد کارگران	درصد به کل کارگران
قالی بافی	۶۰۰۰۰	۵۴/۷
نساجی	۲۰۰۰۰	۱۸/۲
چرمسازی	۱۰۰۰	۰/۹
فلزکاری	۲۰۰۰	۱/۹
چاپخانه	۵۰۰	۰/۵
معادن	۲۰۰	۰/۲
شیلات جنوب (صید ماهی و غواصی در خلیج فارس)	۴۰۰۰	۳/۶
بناد روکش تیرانی در خلیج فارس و دریای خزر	۴۰۰۰	۳/۶
بناد رو شهرهای تجاری	۳۰۰۰	۲/۷
صنایع خیابانی شهری	۵۰۰۰	۴/۶
سایر حرفه	۱۰۰۰	۹/۱
جمع کل کارگسران	۱۰۹۷۰۰	درصد کل ۱۰۰

جدول شماره ۵ - منبع: کارگران ایران در اواخر دوران قاجاریه

غالباً دکان ها و کارگاههای بسیار کوچک) جریان داشت. کار در بناد و شهرهای تجاری، از جمله اولین مشاغل روستائیان بود که برای تأمین معاش به بنادر شهرها آمده بودند. مجموعه این وضعیت بیانگر اقتصاد ساده صنعتی و بخشهای کارگاهی و تجاری بود.

۵-۱ منشأ کارگران

پرداختن به منشأ کارگران یعنی پروسه تحول گروههای اجتماعی مختلف به کارگر صنعتی از آن رو با اهمیت است که این نکته در فعالیت اجتماعی کارگران، نسبت مبارزاتی، فرهنگ و تصورات اجتماعی آنان اثر گذار است. بررسی منشأ کارگران، در این دوره تاریخی نشان میدهد که شکل گیری و رشد طبقه کارگر در ایران از میان دهقانان کنده شده از زمین و صنعتگر ورشکسته بود اکثریت کارگران را دهقانان فقیر تشکیل میدادند که برای تحصیل نان به سوی شهرها روی آورده بودند. صنعتگران ورشکسته نیز در اثر فقدان رقابت با کالاهای خارجی، عدم تأمین نیازهای صنعتی از جانب دولت و ... به بازار کار سرازیر میشدند.

شمار قابل توجهی از کارگران را تشکیل میدادند.

۶-۱ کار زنان و کودکان

استفاده از نیروی کار زنان و کودکان بصورت گستردهای در صنایع کشور رواج داشت. آنطور که اسناد بجای مانده از اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم نشان می دهند، کار کودکان و زنان در صنایع رایج بود بطوری که برخی از صنایع تقریباً بطور کامل وابسته به کار زنان و کودکان بودند. مثلاً در کارخانه نساجی ابریشم بافی رشت تمام ۱۵۰ نفر کارگران را زنان تشکیل میدادند (۱۶) در شیلات شمال متعلق به لیانازوف نیز ۳۰۰ کارگر زن اشتغال داشتند. (۱۷) یک سیاح ایرانی که در اواخر قرن نوزدهم از کرمان دیدن کرده، ذکر میکند که اهالی کرمان بسبب فقر، کودکان خسود را به شال بافی و فرش بافی میفرستادند که اگر کامل و استاد شدند، ده شاهمنی اجرت میگرفتند و گرنه اجرت آنها سسه یا چهار شاهی است و اگر خطا کسبی در کار یا چیزی سستی از آنها دیده شود دستهای آنها را با سوزن سوراخ میکنند (۱۸) استفاده از نیروی کار کودکان بویژه در کارگاههای قالی بافی و نساجی رایج بود. مثلاً در کارگاه قالی بافی معد اف در تبریز ۵۰ کود

زنان، کارگران ریختهگری و آهنگری) و منشأ آنان روستایی بود. کارگران بخش صنایع کارگاهی و ماشینی بعد از کارگران چاپ، را غالباً صنعتگران ورشکسته و دهقانان کنده شده از زمین تشکیل میدادند. تمرکز کارگران در محیط کار در این بخش از صنایع از درجه پائینی برخوردار بود.

بخش وسیعی از کارگران صنایع دستی (بیش از ۷۰٪) در صنایع قالی بافی و نساجی فعالیت میکردند. در این بخش اساس تولید شیوه سنتی انجام میگرفت و در سطح وسیعی محیط زیست کار کارگران را و روابط حاکم بر آن اکثر تابع روابط استاد - شاگردی بود. در فلزکاری نیز سامانه تولید بشیوه سنتی بود. آنسان که کارگر و کارفرما یک سامانه تولیدی واحد در کنار یکدیگر کار میکردند. کار در محیط محدود

ایران نشان میدهد که در صنعت نفت درجه بالایی از تمرکز نیروی کار در محیط کار برقرار بوده و بعنوان یگانه بخش مهم صنعتی با تکنولوژی پیشرفته در این دوران مطرح بوده است. اکثریت کارگران ایرانی صنعت نفت را، اعضای ایل هسای بختیاری، لر و عرب تشکیل میدادند.

کارگران هندی نیز بخش قابل توجهی از کارگران نفت را تشکیل میدادند. ( بعد ها به موجب قراردادی که بین رضا خان و دولت انگلیس بسته شد، از استخدام کارگر غیر بومی جلوگیری بعمل آمد) در مورد کارگر ایرانی باید این نکته را در نظر داشت و آن اینکه، غالباً بسا فاقد تخصص و یا آنها تیکه چند سالگی در این رشته صنعتی فعالیت میکردند نیمه متخصص بودند. صنایع حمل و نقل شامل کارگران راه آهن و راهسازی بود که اغلب آنها فاقد تخصص (بجز لوکوموتیو

الی ۱۴ سال کار میکردند و در کارخانه غریزی قزوینی در تبریز نیز بیشتر رگران را کودکان تشکیل میدادند. رکارگاههای شالی بافی کرمان نیز پسر بچه‌های ۷ تا ۱۴ ساله استفاده شد. بخصوص از آنرو که انگلستان کوچک آن را برای شال بافی مناسبتر میدانستند (۱۹). گزارش دیگری در این مورد می‌نویسد: «کار زنان و کودکان در سطح سردهای متداول است. در کارخانجات لی بافی و دخانیات کودکان حتی شش ماهه نیز بچشم میخورند (۲۰). تقریباً همه اسنادی که به بررسی وضعیت کارگران کودکان پرداخته‌اند، بر استفاده از نیروی کار کودکان با نازلترین دستمزدها کار طاقت فرسا، برای زنان و نابرابری سطح دستمزدها با مردان دلالت دارند.

۷- بهداشت و ایمنی، دستمزدها و قوانین کار

شرایط طاقت فرسای کار، روز کار طولانی، سطح نازل دستمزدها و فقدان نون کار مجموعه‌ای بود که تحت آن وضعیت زندگی کارگران را روز به روز با وخامت بیشتری مواجه میساخت.

بهداشت و ایمنی محیط کار و وضعیت مخاری داشت. کارگاههای صنایع سنی که عده زیادی کارگر در آنها بنگول بکار بودند مرکز شیوع امراض باکتری مانند سل و ماتیسم بود و هر ساله کارگران قربانی این امراض میشدند. در کارگاههای قالیبافی که عده‌ها از کار زنان و اطفال استفاده می‌شد، چون کارگران زن بیشتر روی زمین نشسته‌اند، رشد بدنی آنها دچار نقص می‌شد. در موسسات شبلات شمال امراض شیوع داشت عبارت بود از، مالاریا، سهال خونی و نیز فشارهای روانی که علت نبودن کمکهای پزشکی منجر به راقب خطرناک میشد. (۲۱) کارگران رشیاف کرمان در حرفه‌های کیفیت کار نکردند که در اینجا نه روشنائی بود نه جریان هوا (۲۲) یک شاهد دیگر، پدربش در آن عصر کارخانه دار بسبوده ر باره وضعیت بهداشت کارگران روزمزد رشیاف می‌نویسد: «در هکماور ( محله ای ر تبریز) نیم مردم بزرگ و نیم دگسر رگر روزمزد می‌بودند و این کارگه‌بران بون بیمار شدندی یا مردندی، خانواد... ایشان بینوا و گرسنه ماندندی، (۲۳). در بگر بخش‌های صنایع نیز چنین وضعیتی

رایج بود. شواهدی که ارائه شد، بطور عمومی ناظر بر وضعیت بهداشت و ایمنی در محیط کار بود. ساعات کار و دستمزدها: سطح نازل دستمزدها و ساعات کار طولانی، در همه جا رایج بوده است. گرچه مبارزاتی برای کاهش ساعات کار و افزایش دستمزدها صورت گرفت اما هیچ‌گاه نتوانست بصورت یک قاعده عمومی همه کارگران و حتی کارگران بخش صنایع نوین را در بر بگیرد. مدارک بجای مانده حاکی است که در کارگاههایی که با شیوه تولید سنتی فعالیت میکردند، ساعات کار از هنگام باز شدن تا زمستان بسته شدن آن یعنی نزدیک به ۱۲ - ۱۴ ساعت بود. با وجود تفاوت زیاد در سطح دستمزدها مدت زمان کار برای زنان و اطفال همانند مردان بود. (۲۴) ادوارد براون که در ۹ ژوئن ۱۸۸۸ از یکی از کارگاههای شالی بافی کرمان دیدن کرده می‌نویسد: «در روزهای تابستان شاگردان از طلوع آفتاب تا غروب آفتاب و در زمستان ناه ساعت بعد از غروب در روشنائی شمع مشغول کار هستند. آنها هر هفته بیش از نصف روز (بمسد از ظهر جمعه) تعطیلی ندارند و تعطیلات عده آنها در سال دو سه روز است و غذای آنها در تمام سال جز نان خشک چیزی نیست. (۲۵) سطح دستمزدها نیز بسیار پائین بود بطوری که همین منبع ذکر میکند که مزد شاگردان سالیانه ده تومان است و هنگامی که بزرگ شدند ممکن است به ۲۵ تومان برسد. در سال ۱۸۹۰ در حالیکه مزد یک کارگر در شهر مشهد یک قران بوده، قیمت هر پوند (۴۵۳ گرم) نسیان نیم قران و قیمت هر پوند گوشت ۲ قران بوده است. (۲۶) بسک سند دیگر گزارش داده است که در اوایل قرن بیستم یک کارگر در مقابل کار روزانه ۱۴ ساعته یا بیشتر بطور متوسط ماهانه ۸ تومان دریافت میداشته است، یک کارگر ماهی ۱۰ مثلاً یک کارگر حروف چین چاپ، بین ۴ تا ۱ تومان در ماه حقوق میگرفت. یک استاد کار چیت سازی از ۴ تا ۵ قران در روز و یک کارگر نساج روزانه یک تا دو قران دریافت می‌گرفت. در کارخانه‌های قالیبافی بافی بطور عده اطفال کار میکردند و در ازای کار شاق از سحر تا سحر ۱۰ تا ۲۰ شاهی و در روز ۱۰ شاهی حقوق میگرفتند. (۲۷) بطور عمومی وضعیت کار و دستمزدها در همه جاسا

طی دوره مورد نظر اسفند بوده است و همین گونه بود که مبارزه برای افزایش دستمزدها و کاهش ساعات کار همواره در هر مطالبه کارگری پیش‌نشان هر مطالبه دیگری بوده است.

قوانین کار:

بطور کلی طی این دوره فقدان قوانین کار به کارفرمایان فرصت میداد که به اختیار خود قوانینی در محیط کار وضع کنند. در دهه اول سده چهارده شمسی با افزایش و رشد مبارزات کارگری سطح قوانین کار بعنوان جزئی از مطالبات کارگری مطرح شد. سلطنتزاده در این مورد می‌نویسد: «در سال ۱۹۲۱ قانونی به تصویب رسید که موافق آن کار کودکان زیر هشت سال در صنایع فرش بافی ممنوع گردید. اما مشکل بخوان گفت که حتی چنین قانونی قابل اجرا باشد (۲۸). در سال ۱۹۲۲ سلیمان میرزا در مجلس صحبت از تدوین قانون کار نمود که بسا آن مخالفت شد. در سال ۱۹۲۳ در اثر فشارهای دفتر بین‌المللی کار، I.L.O. شاه مفادی برای قانون کار پیشنهاد داد اما اولین قانون در رابطه با روابط کارگری در سال ۱۹۳۶ (۱۳۱۵) تصویب شد نام لایحه «آئین نامه برای کارخانه‌های و تأسیسات صنایع نام داشت. I.L.O. متخصصینی برای تدوین چنین آئین نامه‌ای فرستاده بود. در آئین نامه محدودیت کار روزانه، حداقل امنیت محیط کار، ممنوعیت کار کودکان و از این قبیل درج شد که بر روی کاغذ ماند.

۸ - ۱ کارگران مهاجر

پرداختن به مساله کارگران مهاجر در این دوره تاریخی از مکان و ویژه‌ای برخوردار است، چرا که این بخش از کارگران اثرات درخشانی در سازمانگری و سازماندهی جنبش کارگری و شکل گیری شکل های کارگری و کمونیستی داشته‌اند. مقدمه بینیم وضعیت کارگران مهاجر چگونه بود: کارگران مهاجر عمدتاً به دو گروه تقسیم میشدند، اول کارگران مهاجر کسبه در صنایع ایران فعالیت میکردند شامل کارگران مهاجر روسی که تعداد آنها ۵ هزار نفر بود و غالباً در صنایع کارگاهها و ماشینی که صاحبان آن سرمایه داران آن تبعه روسیه بودند کارگران هندو که در صنایع نفت جنوب کار میکردند. گروه دیگر اما کارگران مهاجر ایرانی بودند که به علت وضعیت فلاکتی اقتصادی به کشورهای هم‌دوار و غالباً به روسیه مهاجرت نموده و در مراکز صنعتی آن کشور کار

## بررسی موقعیت طبقه کارگر در ایران

میکردند. بیک گزارش حاکی است که در اواخر قرن نوزده و اوائل قرن ۲۰ مهاجرت اقوام ایرانی مخصوصاً اقوام شمال ایران به خارج امری بسیار عادی بوده است. مهاجران اکثراً در نواحی آسیای روسیه، هندوستان، بغداد، بصره و چند ناحیه دیگر میرفته‌اند. منابعی که در اواخر قرن ۱۹ و اوائل قرن ۲۰ تالیف گردیده‌اند از وجود محلات خاص مهاجران ایرانی در خارج از کشور صحبت داشته‌اند. (۲۹) روسیه امساً بیشترین مرکز جذب کارگران مهاجر ایرانی بود. شمار ایرانیانی که بعلت شغل مهاجرت آمد و شد هائی که به ایران یا روسیه صورت میگرفت، همواره در نوسان بود اما در همین حال منحنی مهاجرت همیشه روندی صعودی داشته. آرشیه‌های بجای مانده حاکی است که تا اواخر دوران قاجاریه، مهاجرت عمدتاً از مناطق شمال ایران از خراسان سیستان و کردستان پیروی آسیای میانه است. معاون کنسولگری روسیه در سیستان گزارش داده است که هر ساله ۱۰ تا ۱۵ هزار نفر از کارگران سیستان برای کار و نگهداری خطوط راه آهن - مین عشق آباد میرفته‌اند. در سال ۱۹۰۹ بعلت افزایش متقاضیان مهاجرت به آسیای میانه تعداد دفاتر صدور گذرنامه در روستاهای خراسان از ده واحد به ۲۵ واحد افزایش یافته و در سال ۱۹۰۵ شمار اتباع ایرانی در عشق آباد بیش از ۵ هزار نفر بوده است. مدارک موجود همچنین حکایت از این دارد که گروهی از طوایف کرد زنجان نیز در جستجوی کار به ترکستان، هندرات، مرو، بخارا و سمرقند مهاجرت کرده‌اند. (۳۰) گروه دیگر کارگران مهاجری بوده‌اند که از آذربایجان و مناطق شمال غربی به قفقاز رفته بودند. این گروه اکثریت کارگران مهاجر را تشکیل میدادند. طبق ارقام آرشیه‌های روسیه تزاری در سال ۱۸۹۱ تنها در تبریز ۲۷ هزار و در سال ۱۹۰۳ نزدیک به ۳۰ هزار ویزا از سوی کنسولگری روسیه صادر شد. در سال ۱۹۰۴ نزدیک به ۵۵ هزار نفر از دریافت کنندگان ویزا بصورت کارگر غیر ماهر به قفقاز مهاجرت کرده‌اند. طبق

تخمین بلوا شمار ایرانیانی که در سال ۱۹۰۵ از مین گذشتند کمترب ۳۰۰ هزار نفر بوده است (۳۱) در سال ۱۹۱۰ در صنایع و تجارت قفقاز ۱۲۰ هزار کارگر دائمی کار میکردند (۳۲) طبق آمار لوبیتسکی در سال ۱۹۱۱ حدود ۱۹۳ هزار نفر از ایران به روسیه مهاجرت کرده‌اند (۳۳) از این تعداد ۱۶۰ هزار کارگر موقت و ۳۳ هزار نفر کارگر دائم بوده‌اند (۳۴). از بین کارگران مهاجر رقم کارگرانی که در صنایع نفت باکو کار میکردند: ر خور توجه است در سال ۱۸۹۳، ۲۷۰ نفر در صنایع باکو کار میکردند این رقم ۱۱٪ کل کارگران در این سال بود این رقم در سال ۱۹۰۳ به ۵ هزار نفر (۲۲٪ کل کارگران) و در سال ۱۹۰۶ به ۲۴۱۸ نفر رسید. (۳۵) در سال ۱۹۱۳ رقم کارگران ایرانی در معادن نفت باکو ۲۲۸۴ نفر (مرد و زن) و سپس این رقم در سال ۱۹۲۰ به ۲۴۹۵۸ نفر (مرد و زن) افزایش یافته است. (۳۶)

مهاجرت کارگران ایرانی به روسیه دو پیامد را بدنبال داشت. اول آنکه بخشی از کارگران ایرانی که به آنجسلا مهاجرت کرده بودند بعلل مختلف از جمله امنیت شغلی مسائل اقتصادی و اجتماعی برای همیشه در آنجا ماندگار میشدند و بخشی از آنان دوباره به ایران بازگشته اند. حضور ایرانیان در جنبش کارگری روسیه، پیامدهای مهمی برای کارگر ایرانی داشت. در پرتو جنبش کارگری روسیه و نفوذ سوسیال دمکراسی و سپس بلشویکم‌ها آگاهی و سنت سازمانگری و... آموخته‌ها می بود که کارگر ایرانی از جنبش کارگری روسیه فرا گرفت. و کارگر مهاجر پدیدهای بود که در انتقال این تجارب به جنبش کارگری ایران اثرات ارزنده‌ای داشت. پیشینه پیوند منجم و ارتقا یافته با سوسیال دمکراسی روسیه، در ابتدا معطوف به مشکلی بود که سوسیال دمکراسی روسیه بعلت نقش اختصاب شکم کارگران مهاجر ایرانی، فقدان تجربه مبارزاتی نیاز به شغل و... با آن روبرو بود. همین نکته موجب گشته بود که فعالیت سوسیال دمکراتهای روسیه در میان

کارگران مهاجر افزایش یابد تا به مشکل اختصاب شکنی و... خانه داده و توجه آنها را بخود جلب نموده و همبستگی کارگران را تقویت کنند. این روند نتیجه موفقیت آمیزی داشت بطوری که پس از چند سال کارگران ایرانی از رهبران سازمانگر جنبش کارگری در روسیه بودند. یکی از اسناد بجای مانده از جنبش کارگری روسیه در سال ۱۹۰۶ حاکیست که "در معادن مس الهوردی در ارمنستان ۲۵۰ نفر کارگر ایرانی مزدور بودند. همین گروه "هسته اصلی" اختصاب کارگران آنها را در همان سال را تشکیل میدادند (۳۷) بطور کلی میتوان گفت که مکان کارگر مهاجر در انتقال تجارب سازماندهی و سازمانگری چه در نهاد های کارگری و چه در نهاد های حزبی شکل گرفته در ایران طی این دوران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. پرورش بخشی از کادرهای رادیکال و مجرب کارگر در ایران در ابتدا از میان کارگرانی بود که از جنبش روسیه آموخته‌ها داشتند. بخشی از ایرانیان نیز که با بلشویکم‌ها همکاری میکردند، از رهبران جنبش کارگری و از کادرهای حزب کمونیست ایران شدند. نطفه‌های اولیه حزب کمونیست ایران، از میان کارگران مهاجر ایرانی در روسیه شکل گرفت. پس از بررسی موقعیت عینی طبقه کارگر در دوره مورد نظر در بخشش دوم به بررسی شرایط ذهنی یعنی میزان آگاهی سیاسی و اجتماعی، که خود را در خواستها، مطالبات، تمایلات معین طبقاتی و اشکال دستاویزی کارگران برای تحقق مطالبات خود، یعنی چگونگی و شیوه سازماندهی، و مبارزات سیاسی کارگران ایران در همین برهه خواهم برداخت. در این بخش به بررسی رشد مبارزات کارگری، اشکال سازماندهی شده‌های کارگران پیش زمینه‌های رشد آگاهی سیاسی و اجتماعی کارگران، مکان حزب کمونیست ایران و جایگاه پیشروان سازمانگر جنبش کارگری، در مبارزات کارگری و نحوه سازماندهی آن، و سپس گسختگی در نهاد های سازماندهی کارگری، افات این جنبش و ظل فروپاشی حزب کمونیست ایران میباید.

ناصر پیشرو

فهرست منابع:

۱- فصل اول در ابتدا بصورت طبع

دو پاره پند ۱۳ برنامه

- ۱۲- انقلاب مشروطیت ایران - تفصیل از تکوین سرمایه‌داری در ایران فشاھی .
- ۱۳- ایوانف نقل از تکوین سرمایه‌داری در ایران - فشاھی .
- ۱۴- اسناد تاریخی و... آثار سلطانزاده جلد ۲
- ۱۵- استاد وزارت خارجه بریتانیا ، نقل از سند یکالیم در جنبش کارگری ایران در فاصله سالهای ۲۵ - ۱۳۲۰ طرح اتاکی .
- ۱۶- کارگران ایران در اواخر دوران قاجاریه .
- ۱۷- همان منبع .
- ۱۸- خاطرات حاج سیاح .
- ۱۹- کارگران ایران در اواخر دوران قاجاریه .
- ۲۰- اسناد جنبش کارگری و کمونیستی جلد ۶ ، انتشارات مزدک .
- ۲۱- کارگران ایران در اواخر دوران قاجاریه .
- ۲۲- ایران و قضیه ایران ، کزین .
- ۲۳- زندگانی من ، احمد کسروی .
- ۲۴- کارگران ایران در اواخر دوران قاجاریه .
- ۲۵- یکسال در میان ایرانیان ، ادوارد برن - ارن .
- ۲۶- ایران و قضیه ایران ، کزین .
- ۲۷- کارگران ایران در اواخر دوران قاجاریه .
- ۲۸- اسناد کمونیستی و کارگری جلد ۶ .
- ۲۹- خاطرات ، حاج سیاح .
- ۳۰- کارگران ایران در اواخر دوران قاجاریه .
- ۳۱- همان .
- ۳۲- سند یکالیم در ایران ، قاسمی .
- ۳۳- کارگران ایران در اواخر دوران قاجاریه .
- ۳۴- سند یکالیم در ایران ، قاسمی .
- ۳۵- کارگران ایران در اواخر دوران قاجاریه .
- ۳۶- سند یکالیم در ایران .
- ۳۷- فکر دیکراسی اجتماعی در نهضت مشروطه ایران ، فریدون آدمیت .

۱- فراتر رفته است و عملاً این بنیاد از برنامه بر مباحثات و موضعگیری‌های هسته اقلیت ناظر نمیشد، لذا تنها تدوین برنامه جدید این بند از برنامه کن لم یکن اعلام میشود .  
بعلاوه ، از آنجا که مباحثات مربوط به شوروی در نشریه سوسیالیسم بیانگسر برآیند نظرات مجموعه رفقای متشکل در در هسته میباشد ( بر اساس مباحثات سمینار ) ، م . م . یک جمعیتی از اساسی ترین رهوس این نظرات را ارائه خواهد نمود که تا برگزاری کنفره بعنوان مبنای مقدماتی در موضعگیری‌های هسته بشمار خواهد رفت .

در رابطه با بند ۱۳ برنامه ( مسائل بهائی ) قطعنامه‌ای از سوی کمیته یزگی به تشکیلات ارائه شد که مورد تصویب ناز گرفت . متن قطعنامه بشرح زیر میباشد :  
**قطعنامه**  
در نشست عمومی هسته اقلیت مقبرر که در بند ۱۳ برنامه مورد بررسی قرار گرفته و تدقیق شود . اما سیر تغییر سیر تحولات اخیر در کشورهای بلوک شرق ایکسو و از سوی دیگر نقطه نظراتی که بی این مدت در رابطه با مفهوم سوسیالیسم و مساله شوروی به آن دست یافته‌ایم و این نقطه نظرات از چارچوب دستگاه فکری حاکم بر برنامه س . ج . ف . خ .

ادامه فهرست منابع

- مقدماتی تهیه شد که علاوه بر رفقهای تحریریه ، رفیق حمید پویان ، نکات انتقادی و تکمیلی به آن طرح نوشت و سپس آن طرح با طحوظداشتن نکات انتقادی و تغییرات مورد نیاز ، در دو بخش نگاشته شد .
- ۲- کاپیتال - مارکس - جلد ۱
- ۳- موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران - احمد اشرف .
- ۴- نگاه کنید به رساله فوق .
- ۵- کارگران ایران در اواخر دوران قاجاریه ترجمه ماریتا کاظم زاده .
- ۶- سلطانزاده آثار منتخب .
- ۷- کارگران ایران در اواخر دوران قاجاریه
- ۸- اسناد تاریخی جنبش . آثار سلطانزاده جلد ۲
- ۹- کارگران ایران در اواخر دوران قاجاریه
- ۱۰- ایران و قضیه ایران - کزین .
- ۱۱- سفرنامه هانری رنه .

اشغال کویت و بحران خلیج فارس

که بر درآمد های رژیم میگذارد ، افزایش درآمد فوق مقداری گاسته میگردد .  
بهررو در شرایطی که بسیاری از کشورهای منطقه در اثر بحران خلیج ضررهای هنگفتی را متحمل میشوند ، جمهوری اسلامی منابع مالی غیر ثابتی بدست آورده است که خود توجیه‌زاست و با توجه به ساخت و بافت اقتصاد دلالی به افزایش شکست میان فقر و ثروت منجر خواهد شد .  
بسیار خنل مسئله کویت قیمت نفت کاهش خواهد یافت با پایان تحریمها ، سودآوری بازرگانی پنهان با عراق تمام میشود اما بحران ساختاری ایران همچنان بعنوان مسئله‌ای حل نشده باقی خواهد ماند .

محمد



زنده باد همبستگی بین المللی کارگران سراسر جهان

## بررسی موقعیت طبقه کارگر در ایران

انتخابات مجلس خبرگان

### پیامدهای آن

جایگاه مجلس خبرگان در هرم قدرت حکومت اسلامی به ظاهر فرای ولایت فقیه بوده و وظیفه آن علاوه بر تعیین رهبری، نظارت بر عملکرد وی و حتی در صورت لزوم عزل و نصب ولی فقیه است. اما در واقع امر مجلس خبرگان، ابزاری است در دست ولایت فقیه تا اولاً بر شکل استبدادی چنین حکومتی سرپوش بگذارد باین ترتیب کسیه مقام رهبری را منتخب مجلسی قلمداد کند که برگزیده "مردم" است و ثانیاً تصمیمات و عملکرد ولی فقیه را تحت نظارت جمععی "خبره" جلوه دهد.

نقش این مجلس در دوران هشت ساله گذشته اش بیان عینی این واقعیت است که این خمینی بود که تصمیماتش از زبان مجلس خبرگان اعلام می شد و نه بالعکس. بعنوان نمونه انتخاب منتظری بعنوان جانشین وی و سپس عزل وی از مقام فوق را در نظر بگیرد. منتظری تا آنجا که مطیع اوامر خمینی بود توسط مجلس خبرگان تأیید میشد اما به محض اینکه مخالفت خوانسی هاشمی بر طبقه برخی از سیاستهای رژیم از خود نشان داد بدستور خمینی از مقام

۸

جهت تماس با ما نامه های خود را به آدرس یکی از آشنایان خود در خارج از کشور ارسال نمایند و آنما بفرهید که نامه هایتان را به آدرس زیر پست کنند:

POSTFACH  
NR : 910963  
3000 HANNOVER 91  
W - GERMANY

کمکهای مالی خود را به شماره حساب زیر واریز نموده و رسید بانکی را به آدرس ما ارسال فرماید.

DJ.ARYANT  
KTO: 32325118  
BLZ: 250 501 80  
STADTSPARKASSE HANNOVER  
W - GERMANY

اینکه جنبش کارگری در ایران از هنگام شکل گیری، رشد و تکوین اش، از چه پیچ و خم هایی عبور کرده است، در چه شرایطی و تحت چه عواملی این جنبش روبه رشد نهاد، چه نوع شکل های کارگری و بر بنیاد کدام عواطفی در ایران شکل گرفتند و چرا فروپاشیدند، اشکال و ویژگی های سازماندهی و سازمانیابی مبارزات کارگری چگونه بود، علل گسست در نهاد های سازمانگری کارگری در ادوار مختلف تاریخی چه بود، پیشروان کارگری و مارکسیستها چه اثراتی بر جنبش کارگری داشته اند، عوامل اجتماعی و کارکرد های سرمایه در ایران چه اثراتی بر موقعیت اجتماعی کارگران داشت؟ و... همه از نکات با اهمیتی است که باید مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. برای شناخت جوانب مختلف موقعیت طبقه کارگر در ایران اما باید مقدماً از شرایط کنونی آن دور شد و در پرتو بررسی و جمع بندی تاریخی - اجتماعی از جنبش کارگری، به موقعیت کنونی و سمت گیری آینده آن، محاط گشت. این نوشتار تلاش دارد که با این متن، به بررسی موقعیت طبقه کارگر در ایران بپردازد و از سبب و اسلوب روشی را که برای بررسی و بازشناختن سی از موقعیت تاریخی اجتماعی کارگران در ایران برگزیده، ناظر بر ادواری است که جنبش کارگری و مبارزات سیاسی اجتماعی کارگران از اشکال متفاوت و اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است. این ادوار شامل سه دوره و در سه فصل در نظر گرفته شده که مشخصات آن بقرار زیر است:

فصل اول: بررسی جنبش کارگری، از مشروطه تا سقوط رضا خان.

فصل دوم: جنبش کارگری در فواصل دهه ۲۰ الی ۳۰ سده شمسی و شرایط پس از آن.

فصل سوم: جنبش کارگری از فرم ارضی تا شرایط کنونی آن.

فصل اول شامل دو بخش است که معطوف به موقعیت عینی و ذهنی کارگران

۱۸

طرح موضوع: این روزها، یکی از مباحث رایج چپ رادیکال، نقد و بررسی سوسیالیسم خلقی و چپ غیر کارگری است. با وجود تلاشهایی که در نقد و بررسی این موضوع شده و بسیار در حال شدن است، محاط شدن بر موضوع نقد و بررسی جوانب مختلف، نظریکی - پراتیکی آن، هنوز نیازمند تعمیقی همه جانبه تر و گسترده تر است. بواقیع آنچه تاکنون انجام یافته نشان میدهد که چپ رادیکال در ایران، هنوز در آغاز راهی است که بدون بررسی و کنگشاش موضوع نقد اش، بنیاد های فکری و مابینه آزادی پراتیکی اش، راه یابی به آینده - آینده های که در پرتو آن حزب کمونیست تشکیل شود - امکان پذیر نیست.

اگر قرار است که ما نیز بعنوان جریانی کوچک، سهمی در تشکیل حزب کمونیستی و کارگری داشته باشیم، بازشناسی و گسست از بنیاد های نظری سوسیالیسم خلقی و چپ غیر کارگری و بررسی مکان جنبش کارگری در فعالیت اجتماعی نیروهای مارکسیستی، جایگاه کارگران در رویداد های تاریخی و اجتماعی، تدارک انقلاب کارگری و... و اساساً بررسی و کنگشاش در موقعیت طبقه کارگر در ایران، قاعدتاً باید از اهمیت ویژه ای برخوردار باشد. نقد و بررسی این مهم اما مستلزم درک مارکسیستی و شناخت آگاهانه است و شناخت از موقعیت طبقه کارگر در ایران، مستلزم تعمیق همه جانبه بر جوانب مختلف آن و نیازمند، یک بررسی تاریخی و اجتماعی است. بر بررسی تاریخی - اجتماعی از آنرو تأکید داریم که با چالش در موقعیت تاریخی - اجتماعی کارگران، جمع بندی و کار بست تجار مثبت و منفی، به فعالیت های امروز و فردای آنان نقی زده باشیم تا لااقل آنچه کسیه میبایست به حافظه تاریخی نسل همسای امروز و فردای کارگری، انتقال یابد، به رویداد های سیری شده تاریخی، بسدل نشود.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری شورایی



کشیرانی، ماهگیری و شرکت در امور کشیرانی در شط العرب برخواست و سود حاصله از آنرا تقسیم نمایند. جاع مسئله شط العرب به حکمیت ارجحوب فرمولی که مورد توافق قرار گرفته، همراه با تعهد قبلی مبنی بر نشایح حکمیت و تا زمانیکه مرجع اعلام رای کند، لا یروسی شط العرب من فرمول توافق طرفین بقصد میبایست. آن برای کشیرانی بهره برداری آغاز

توافق بر این فرض مبتنی است که سه ن متغای یکی از عنوانهای سه گانه با انتخاب خواهند کرد، با این ن که عنوان نخست بیانگر حق عراق و فرض ما بر این است که دو عنوان نشانگر تمایل ایران است.

تا بر این بر اساس این بند حقوق کامل بر رود خانه متعلق باشد اعلام شده و در حالی که بر اساس ااد الجزایر حق حاکمیت ارونند بود، به دو کشور است. رفسنجانی سخ به نامه فوق صدام گفت: "۲- در ورخه ۱۳۶۹/۵/۸ شما در مورد رود پیشنهاداتی مطرح شده که تنزلی از ادعاهای اعلامیه های قبلی نتا کن برای شما مشخص است که ند از جانب مورد پذیرش قرار گیرد. ااد مشخص ما مینا قرار گرفتن معاهده برای مذاکرات صلح میباشد". وی بن گفت: "قابل تصور نیست آنچه که ن ساله حاصل نشده، در مذاکرات جقق باشد". نامه رفسنجانی

به صدام مورخ ۶۹/۵/۱۷  
 ا هنگامی که صدام با عقب نشینی قبلی - که امتیازات عراق در صلح محسوب میشوند- اعلام کرد ناک ایران بیرون رفته و اسرا را آزاد کرد، نه در نامه جوابیه رفسنجانی ر موضع رسمی سران رژیم پذیرش قرار داد الجزایر از سوی صدام نقاد قرار نگرفت، بلکه بصورت مطلق و نام جمهوری اسلامی برد حق طایع باطل" مورد تبلیغات ای واقع شد. چرا؟ آیا سران عقب نشینی ها تاکنون عراق بسنده و مظل در مورد ارونند رود با نله لا یروسی و با حق کشیرانی لیزی و تقسیم سود حاصله از آن بین ر، از حق حاکمیت بر این رود خانه نبود مانند؟ اگر چنین بود خواست مبنی بر ملاقات بین رؤسای جمهور

د و کشور و انعقاد قرارداد صلح تاکنون برآورده میگردد.

اگر چه بخشی از خواست های جمهوری اسلامی مورد پذیرش رژیم عراق قرار گرفت، اما این هنوز تمامی دلایل واکنش جمهوری اسلامی را در بر نمیگیرد. بلکه بیشتر به بهره برداری جمهوری اسلامی از بحران ناشی از اشغال کویت جهت تحکیم موقعیت اش مربوط میشود. عقب نشینی صدام نیز هدفمند صورت گرفت رژیم عراق پیش از این بر حفظ مواضعی تاکید میکرد که این مواضع در خدمت تحکیم موقعیت عراق و برای کسب امتیازات بیشتر در مذاکرات صلح برای وی حائز اهمیت بود. با اشغال کویت اما مواضع قبلی امتیازآور نظیر در دست داشتن اراضی ۲۶۰۰ کیلومتر مربعی ایران و مسئله اسرا اهمیت خود را از دست داده بود. اینک مواضع تویتری در دست عراق قرار گرفت که خود بخود عراق را با دست پیرتری وارد مذاکرات صلح با ایران میکرد. رژیم عراق ترجیح میدهد تا زمانیکه کویت را در دست دارد و تا قبل از آنکه تحریم ها نشایح تضعیف کننده اش را بر عراق نشان دهد، مسئله صلح با ایران را یکسر کند تا از آنطرف در مقابل امپریالیسم آمریکا نیز موضع مستحکم تفسیری داشته باشد. رژیم عراق کفاکان میکوشد هدف سرکردگی در منطقه را از جمله در مذاکرات صلح نیز دنبال کند. اما در مقابل جمهوری اسلامی، با بهره برداری از تبعات اشغال کویت بجای های خود را در منطقه محکمتر میکند و منتظر است تا با طولانی شدن بحران و تضعیف عراق در اثر آن، این کشور را به عقب نشینی های بیشتری وادارد و با قرارد صلح موقعیت برتر خود را در مقابل عراق را خنثی سازد.

در مورد آینده روابط دو کشور، بعلا سوابق هژمونی طلشی بورژوازی د و کشور در منطقه، نمیتوان انتظار داشت که حتی در صورت عقد قرارداد صلح، ما بین ایران و عراق روابط گسترده و نزدیکی سیاسی و اقتصادی برقرار شود، هر چند روابط عادی جریان داشته باشد.

**موقعیت جدید جمهوری اسلامی در جهان عرب و غرب:**

اشغال کویت توسط عراق برای ج. ا. بمثابة "امداد غیبی" بود تا ضمن آن، کشورهای منطقه در غرب را متوجه نقش خود در جهت تأمین منابع سرمایه جهانی در منطقه کند. هر چند هنوز بسا

حکومت حائز شرایط زائد ارمی در منطقه فرصت ها فاصله دارد. موضع گیری محتاطانه و حسابگرانه جمهوری اسلامی در اوائل اشغال کویت و سپس افزایش تحرکات دیپلماتیک در ارتباط با موضوع فوق نشان میدهد که سیاست های قطب اختلاف میان سه تکون یافته است و آمادگی رژیم، برای بسط روابط معمول بورژوازی با کشورهای منطقه و جهان غرب در یک بستر مناسب ناشی از شرایط جدید منطقه ای پاسخ به اصطلاح مثبت دریافت کرده است. در واقع جمهوری اسلامی با کمک غیر مستقیم عراق شرایط خروج از انزوای سیاسی را بدست آورد.

این مسئله برای جمهوری اسلامی امری کم اهمیت نیست. لذا با یک موضع گیری رسمی مبنی بر محکومیت اشغال کویت توسط عراق و خروج نیروهای نظامی از منطقه، به طرق دیپلماتیک در سد تحکیم موضع خود در منطقه برآمد. حال آنکه بر اساس اهداف پان اسلامیم اگر کسه میخواست میتوانست از شرایط حضور آمریکا در منطقه و تحریک افکار توده های بوسه در میان فلسطینی ها بنجو د یگری حرکت کند. اما از آنجا که با کنار نهادن نسبی "تند روهای حزب الهی" از مواضع کلیدی، سیاق رژیم در سیاست خارجی تغییر یافته، استفاده از تاکیکهای بسیج کننده هموعویت خود را از دست داده است. اعلام جهاد خامنه ای و با برگزاری راهپیمایی وحدت در اعتراض به حضور آمریکا در منطقه نیز جنبه تشریفاتی و نمایی داشت و در واقع فاقد جنبه عملی پان اسلامیتی بود. بطوریکه که محافل امپریالیستی نیز آنرا امری جدی حساب نیاوردند. مثلا جرج بوش در رابطه با جهاد خامنه ای ابراز داشت: "من از طریق برخی از کارشناسان مطلع شده ام که اظهارات ایشان (خامنه ای) به معنای صد و فرمان جهاد نیست بوشنما گفت: "در دستگاه رهبری ایران همچنان افرادی هستند که در برابر هر گونه بهبودی در روابط بین ایران و آمریکا مقاومت میکنند" (کیهان اول مهراه) بنا بر این با توجه به اینکه سران غرب به وجود تناقضات و تضادهای درونی جمهوری اسلامی واقف هستند، کوشش خواهند کرد که از شرایط بحرانی پس از اشغال کویت، در جهت تحکیم موقعیت قطب اختلاف میان سه مناسبات خود را با رژیم بسط دهند. ضمن آنکه اقدام عراق در اشغال کویت یک وجهه، بین المللی برای رژیم کسب کرده و اقدامات این رژیم را در نقش توانمندی جهانی در منطقه کند.

از ح  
تنظیم  
رد از  
ج: ۱  
در  
میگیر  
پذیر  
حکمی  
براس  
کرد  
میش  
طرف  
فوق  
ملا  
است  
دیگر  
حاک  
عراق  
قرار  
متعلق  
در  
نامه  
اروند  
گرچه  
شما  
نمیتوا  
پیش  
۱۷۵  
هجد  
ها چ  
نابل  
خطاه  
۱  
زیر  
ذاکر  
که از  
خواه  
نه د  
شده  
ورد  
بروز  
ر  
سپرد  
تیم  
رد از  
مل  
ماه  
و کش  
برفظ  
دام

کارگران ، چه در رشد و گسترش مبارزات کارگری و نحوه در هم آمیزی و گسترش آن و ... اثرات ویژه‌ای دارد که در بخش بعد به آن خواهیم پرداخت. در ابتدا بینیم که آرایش نیروی کار در صنایع ایران چگونه بود .

**آرایش نیروی کار در صنایع مختلف در اواخر دوران قاجاریه**

یکی از مهمترین اسنادی که به بررسی وضعیت کارگران ایران در اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم پرداخته ، نوشته عبداله پف است. طبق شواهدی که وی ارائه می‌دهد ، از مجموع نیروی کار شهری که در حدود ۱۲۶ هزار نفر تخمین زده می‌شود ، نزدیک به ۱۷ هزار نفر در " صنایع نوین " و بقیه در صنایع دستی و فعالیتهای سنتی کار میکردند . ( ۹ )

جدول شماره ۱ آرایش نیروی کار در " صنایع نوین " و صنایع دستی و سنتی در اواخر دوران قاجاریه را بر اساس درصد ترکیب کل کارگران در این دو بخش از صنایع نشان می‌دهد :

( جدول شماره ۱ ) آرایش نیروی کار شهری در صنایع ایران در اواخر دوران قاجاریه بر مبنای درصد کل کارگران :

تعداد کل کارگران ۱۲۶۰۰۰		
صنایع	تعداد کارگران	درصد به کل کارگران
صنایع نوین	۱۷۰۰۰	۱۳/۵ درصد
صنایع سنتی و دستی	۱۰۹۰۰۰	۸۶/۵ درصد

منبع جدول : کارگران ایران در اواخر دوران قاجاریه

جدول شماره ۲ ناظر بر تفکیک تعداد کارگران صنایع بزرگ از " صنایع نوین " است و آرایش کارگران در صنایع بزرگ را در اواخر دوران قاجاریه نشان می‌دهد :

جدول شماره‌های ۳ و ۴ آرایش نیروی کار در صنایع ماشینی و کارگاهی به تفکیک تعداد و درصد کارگران و همچنین صاحبان صنایع را منعکس میکند. چنانکه از ارقام این جدول برمی‌آید ، نزدیک به ۱۷۰۰ نفر در صنایع ماشینی و کارگاهی کار می‌کردند . این تعداد نزدیک به ۱۰٪ کل کارگران " صنایع نوین " است.

شما را دوست ندارم . می‌گویند جامعه ای ایرانی است ، برآستی زیبا و شکوهمند است ، با این همه آنرا تغییر دهید "

شکسپیر ، شاهلیز ، پرده سوم صحنه ششم

آنجامه های ایرانی که لیر دوست نمی‌داشت ، حکایت از گسترش صنایع سنتی داشت ، که در آن کارگران بسیاری مشغول بکار بودند و تولیدات آن نیز به خارج صادر میشد . این بخش از صنایع به علت خلقت و عملکردی که داشت ، مداوم با در اقتصاد سنتی ایران ، به شکل گسترده اما پراکنده رو به رشد نهاده بود .

در اواخر دوران قاجاریه مهمترین بخش فعالیتهای سنتی و صنایع دستی ، قالی بافی و صنایع دستی بود . در کنار این پراهمیت ترین ، از نساجی ، فلزکاری ( همانند شمیر سازی ، آهنگری ، مسگری و ... ) ، چرم سازی ، بافبری ، استخراج معدنی ، صنایع خانگی و ... را میتوان نام برد . از تعداد دقیق این بخش از صنایع ، گزارش در دست نیست ، اما دامنه قالی بافی بعنوان مهمترین بخش این صنعت ، به حدی گسترده بود که سه در هر روستا و در پشت هر حجره فروش فروشی در بازار شهرها ، بساط قالی بافی برقرار بود که تولید آن غالباً بر سر انگشت ظریف کودکان میچرخید .

۱-۳ آرایش نیروی کار در صنایع ایران پیشتر گفتیم که رشد سرمایه در دل اقتصاد سنتی ، با روندی کند و آهسته در اواخر قرن سیزدهم هجری آغاز شد و گفتیم که اسناد و شواهد بجای مانده در این دوره ، در عین حال ناظر بر درهم آمیزی بخش مختلف صنعت است . از یکسو صنایع بزرگ ( بسیار کم دامنه ) ، صنایع ماشینی و کارگاهی ( کم دامنه ) و از دیگر سو صنایع سنتی و دستی .

بررسی آرایش نیروی کار در دل صنایع از آن رو اهمیت دارد که کارکردهای این عامل چه در سازماندهی و سازمانیابی

بلژیکی و بطور عمده روسی ، و سپس ۲۰ کارخانه متعلق به سرمایه داران ایرانی - ( ۷ )

چنین که اسناد تاریخی گزارش داده اند اکثر این کارخانهها در تهران احداث شده بود و از این نظر تهران در رشد تحولات صنعتی بعنوان یکی از مراکز رشد صنعت مکان مهمی داشت .

پس از تهران ، رشت ، تبریز ، اصفهان ، مشهد شهرهایی بودند ، که صنایع ماشینی و کارگاهی ، در آنها احداث شده بود . اما بنا به غلی که در پیش بعنوان موانع داخلی رشد سرمایه در ایران ذکر شد و احاطه دول انگلیس و روسیه بر معدترین اهرمهای اقتصادی نظیر گمرکات ، بازرگانی خارجی ، وسایط حمل و نقل ، فقدان سیستم مالیاتی مبر واردات و ... بسیاری از این کارخانهها تعطیل شدند .

از اسناد و مدارکی که بر تاسیس کارخانههای ماشینی و کارگاهی ، اشاره داشته‌اند ، چنین بر می‌آید که صنایع ایجاد شده در رده بندی صنایع چوب و محصولات چوبی ، منسوجات و پوشاک و چرم و مواد غذایی بوده است .

نکته دیگری که نیز باید بر آن تأکید گردد ، کارکرد فعالیتهای صنایع ماشینی و کارگاهی است . در اینجا استفاده از نام کارخانه در صنایع ذکر شده ، بهتایه ایجاد صنایع وسیع و گسترده کارخانه ای نیست و بدین منظور این بخش از صنایع را تحت عنوان صنایع ماشینی و کارگاهی دسته بندی کردیم . سلطانزاده در تأکید این نکته مینویسد : " بینیم صنایع ایران از چه نوعند و چگونه کارخانه‌های در ایران موجود و ساخته میشود ... کارخانه‌هایی که با نیروی بخار و برق کار میکنند بسیار نادرند ، کارخانه‌هایی که موجودند بیشتر ماهیت کارگاهی بزرگی را دارند که در آنها از ۵۰ الی ۱۵۰ نفر کار میکنند و کمتر شبیه کارخانه‌اند ، اگر چه به این اسم نامیده میشوند ( ۹ ) .

صنایع سنتی و دستی این بخش از صنایع قدیمی که در اقتصاد سنتی ایران داشته‌است ، یکی از دلائل مهم رشد اقتصادی جامعه ایرانی در اواخر قرن شانزدهم تا اوائل قرن هفدهم رشد این بخش از صنایع و بویژه رشد صنایع دستی ، نظیر قالی بافی زربافی و ... بود . " لیره ادگار : جامعه